



## فهرست مطالب

۲	به امید فراز آمدن نوروز مردم ایران، به استقبال سال نو رویم.....
۳	در حاشیه اخراج دسته جمعی کارگران کارخانه سیمان خمسه زنجان.....
۴	یازدهمین سالگرد حمله جنایتکارانه ناتو به لیبی.....
۵	فشار مضاعف بر زنان شاغل و بازنشسته در آستانه سال نو.....
۶	به مناسبت شروع سال ۱۴۰۱.....
۷	درگذشت زنده یاد علی اکبر جزایری شوشتری را به اطلاع یاران و دوستانش می‌رسانیم.....
۸	در جبهه نبرد طبقاتی.....
۱۵	فرخنده باد روز جهانی زن.....
۱۶	تکاتی چند پیرامون جنگ اوکراین.....
۲۰	اطلاعیه سندیکاهای کارگری سوئد در آستانه سال نو: حقوق سندیکایی حقوق بشر است!.....
۲۱	تکات مهمی در مورد علل بحران اوکراین.....
۲۲	برآمدن نئونازی‌ها و نئوفاشیست‌ها در اوکراین.....
۲۳	نامه سرگشاده مخالفین سرشناس سوئدی و فنلاندی علیه عضویت این دو کشور در پیمان نظامی ناتو.....
۲۴	چند یاد داشت کوتاه سیاسی.....
۲۶	جهان به کدام سو می‌رود؟.....
۲۶	ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده.....
۲۹	گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش.....
۳۰	پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام.....
۳۱	این چه جنگی است!.....



## به امید فراز آمدن نوروز مردم ایران، به استقبال سال نورویم

پیام نوروزی حزب کار ایران (توفان)

به مردم ایران در هیچ زمینه‌ای پاسخگو نبوده است، زیرا مردم ایران را خودی نمی‌داند.

سالی که گذشت سال ادامه سیاست‌های اقتصادی ورشکسته، افزایش سرسام آورگرانی کالاهای ضروری و تشدید بحران اقتصادی و زرفش شکاف طبقاتی و درعین حال ادامه اعتصابات کارگران بویژه کارگران نفت، کشاورزان اصفهان، معلمان و بازنشستگان ایران و اعتراضات مردم علیه بحران بی آبی و مافیای آب نامید.

امسال نیز شورای عالی کار حداقل دستمزد را برای سال ۱۴۰۱ تعیین کرد و میزان آن حدود ۵۷ درصد افزایش یافته است. براساس این مصوبه مزد کارگر شاغل ماهیانه ۴.۱۷۹.۷۵۰ تومان تعیین شده است که با احتساب مزایای پایه سنوات، حق مسکن و بن کارگری و حق اولاد حداقل دریافتی ماهانه کارگران با دو فرزند به ۶ میلیون و ۷۲۵ هزار و ۷۰۰ و حداقل دریافتی ماهانه کارگران با یک فرزند به ۶ میلیون و ۳۰۷ هزار و ۷۲۵ خواهد رسید. این درحالیست که همین شورای عالی کار هزینه سبد معیشت را ۹ میلیون تومان محاسبه و اعلام کرده بود. بنابراین حتی اگر رقم ۹ میلیون را اساس نرخ سبد هزینه کارگران مبنای بگیریم که به هیچوجه واقعی نیست باز هم حداقل دستمزد تعیین شده یک دوم سبد معیشتی تعیین شده آنهاست. شوکی. بنابراین در سال آتی نه تنها افزایش مزدی نخواهیم داشت بلکه وضعیت معیشتی کارگران و همه جامعه زحمتکش بسیار اسفناکتر خواهد بود. خود دست اندرکاران حکومت بارها گفته اند که اجناس به میزان دلارنرخ گذاری شده اند اما حقوق‌ها به ریال‌اند و قدرت خرید مردم هر سال بیشتر از سال قبل کاهش یافته است.

نوروز همیشه بهار از بلندای تاریخ پر فراز و نشیب ایران هر سال با تازه شدن طبیعت همچون رزمنده ای از راه می‌رسد و با تاریکی؛ سرمای زمستانی و تاریک اندیشی می‌رزد و پیروز می‌شود. شکست ظلمت و تاریکی و کهنه گی در این نبرد محتوم است. نوروز نمادی از نور و امیدواری و شادی است؛ شکوه روزهای تازه و آینده زیبا را نوید می‌دهد.

امسال نیز نوروز در ایران در شرایطی فرا می‌رسد که علاوه بر زرفش فقر و گرانی و وخیم تر شدن وضعیت معیشتی مردم و ادامه سیاست‌های نولیبرالی و سرکوب کارگران و فرودستان جامعه، و از طرفی ادامه فاجعه مرگ و میر کرونایی و ترس و ناامنی در سراسر ایران زندگی را بر کام مردم تلخ کرده است.

علیرغم وعده و وعیدهای تو خالی دولت ابراهیم رئیسی سفره نوروز امسال مردم میهن ما نیز از برکت وجود حکومت چپاولگر سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، که تار و پودش را فساد و دزدی و اختلاس و رانت خواری و فامیل بازی، قانون ستیزی، بی‌احترامی به حقوق مردم فرا گرفته است، خالی تراز گذشته است و نوروزشان همانند هر روزشان شده است. امروز نیز همانند دهه‌های گذشته از سفره زحمتکشان برمی‌دارند و به سفره طبقه مرفه جامعه می‌افزایند. کوه ثروت‌های باد آورده و افسانه‌ای این مافیا از قله کوه دماوند قابل رویت است. این رژیم هیچگاه



## در حاشیه اخراج دسته جمعی کارگران کارخانه سیمان خمسه زنجان

### تشکل مستقل کارگری نیاز مبرم کارگران

طبقه کارگر به عنوان موتور مولد اقتصاد جامعه بشری کما فی السابق با ادامه سیاست‌های نولیبرالی در اکثریت کشورهای جهان زیرسخت‌ترین فشارها قرار دارد. کارگران ایران نیز با توجه به اجرای همین سیاست‌ها در دهه‌های گذشته از سوی حکومت سرمایه داری متأسفانه از این قاعده مستثنی نیستند. ادامه روند رشد افسار گسیخته تورم ناشی از این سیاست‌های مخرب در کنار تحریم‌های ظالمانه ایالات متحده آمریکا و همین‌طور عدم افزایش متناسب دستمزد کارگران به کاهش شدید قدرت خرید آنها در این روزها انجامیده است. به گونه ای که می‌توان گفت امروز ۱۴۰۱ به جای امید بخشی به روزهای بهتری سیه روزی کارگران را سرمی‌دهد، به عبارت دیگر، سالی که نکوست از بهارش پیداست!

این شرایط اسفبار با اخراج فله ای کارگران در شب سال نو از سوی کارفرمایان به مراتب وخیم تر گردیده است. شاهد این مدعا اخراج دسته جمعی کارگران سیمان زنجان توسط پیمانکاری است که این کارخانه را اداره می‌کند. لازم به یادآوری است که کارگران مذکور در اعتراض به عقب افتادن پرداخت حقوقشان دست به تجمع و اعتصاب زده بودند و به جای احقاق حق و دریافت مطالبات با قساوت هر چه تمام تر از سوی کارفرما اخراج شدند.

این تنها نمونه از وضعیت موجود نیست بلکه تنها قطره ای است از

سالی که گذشت سال ادامه تحریم‌های غیرقانونی و ضد بشری توسط امپریالیسم آمریکا بود که به طور عینی در خدمت ادامه تسلط حاکم در ایران قرار دارد و رژیم فاسد و سرکوبگر سرمایه داری راتقویت می‌کند. رژیم جمهوری اسلامی همواره تلاش کرده تا از تحریم‌های خارجی و تهدیدات امپریالیستی در جهت تشدید سرکوب و خفقان داخلی به عنوان چماقی علیه مردم استفاده کند. رژیم جمهوری اسلامی هرگز آزادی بیان و حقوق کارگران و زنان را حق و حقوق مسلم مردم ایران نمی‌داند و در ماهیت اونیست که بداند و با سرکوب و دامن زدن به نارضایتی عمومی به توطئه‌های امپریالیستی و صهیونیستی و نفوذ جاسوسان خارجی در ایران میدان می‌دهد.

دفع خطر خارجی و رفع تحریم‌های اقتصادی که در سال‌های اخیر تشدید گشته است به نفع جنبش مطالباتی کارگران و زحمتکشان و عموم مردم است، شرایط را برای پیشروی مبارزه طبقاتی فراهم می‌کند. این چهل و سومین نوروزی است که رژیم مستبد و سرمایه داری جمهوری اسلامی بر مردم ایران تباہ می‌گرداند.

امسال نیز در شرایطی به استقبال نوروز می‌رویم که مردم میهن ما امیدی به بهبودی وضعیت خود در چارچوب سیاست‌های نولیبرالی و وعده وعید رئیسی و باندهای دزد و فاسد حاکم نمی‌بینند و راهی جز تشدید پیکار صنفی - سیاسی متحد علیه رژیم سرکوبگر حاکم پیش روی خود نخواهد داشت. اکنون در آستانه سال نو، صدها تن از فعالین کارگری، معلمان، دانشجویان و فعالین اجتماعی و فرهنگی در زندان بسر می‌برند و جان تعدادی از آنها در خطر است. حزب ما خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی است که بخاطر فکر و اندیشه و قلم و تلاش برای ایجاد تشکل مستقل خویش به زندان افتادند.

به امید نوروزی سرشار از اتحاد و یگانگی و پیکاری متحد و متشکل علیه تاریک‌اندیشان داخلی و دشمنان رنگارنگ خارجی، برای همه مردم ایران در سال جدید پیروزی و شادی و سربلندی آرزومی‌کنیم. به امید نوروزی عاری از فقر و ظلم و ستم و استثمار و نابرابری، سال نوبارک، نوروزتان پیروز!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، به دست مردم ایران!

زنده باد سوسیالیسم، این پرچم نجات بشریت!  
حزب کار ایران (توفان)

شنبه ۲۸ اسفند ۱۴۰۰



## یازدهمین سالگرد حمله جنایتکارانه ناتو به لیبی

۱۱ سال پیش در چنین روزی، ۱۹ مارس، پیمان جنگ افروز ناتو جنگی و وحشیانه را برای براندازی حکومت قانونی لیبی آغاز کرد و این کشور آفریقایی را ویران ساخت.

امروز، لیبی تکه پاره شده؛ هر قسمت آن توسط یک دولت خودخوانده و جهادی‌ها و جنگ سالاران وابسته به قدرت‌های امپریالیستی اداره می‌شود و در آن، به لطف «اولین رئیس‌جمهور سیاه‌پوست آمریکا» مراکز تجارت بردگان سیاه‌پوست دایر شده است. ۱۱ سال پیش در چنین روزی، ناتو جنگی برای براندازی حکومت ملی لیبی آغاز کرد و این کشور آفریقایی را ویران ساخت. در طول بمباران‌های ناتو، هزاران غیر نظامی کشته شدند و بعضی شهرها مانند شهر سرت تماماً نابود شدند.

سیاه‌پوستان لیبیایی و کارگران مهاجر به طور سیستماتیک تحت فشار قرار گرفتند و توسط شورشیان مورد حمایت ناتو به قتل رسیدند و یا در بازارهای برده فروشی فروخته شدند.

ده‌ها هزار نفر مجبور به فرار شدند؛ بحران پناهجویان در شمال آفریقا آغاز شد، و هر ساله صدها نفر از کسانی که در جستجوی صلح در اروپا مسیر دریایی مدیترانه را انتخاب می‌کنند، در دریا غرق می‌شوند. اکنون لیبی رتبه ۱۰۵ شاخص توسعه انسانی را دارد؛ بیش از ۵۰ رتبه پایین‌تر از دوران حکومت قذافی؛ چرا که استانداردهای زندگی نسبت به قبل از مداخله ناتو به شدت سقوط کرده است؛ در حالی که تا قبل از مداخله ناتو، این کشور بالاترین رتبه شاخص توسعه انسانی را در قاره آفریقا داشت. دسترسی عمومی تقریباً رایگان به بهداشت، آموزش، مسکن، سوخت، برق، آب و سایر حقوق اولیه در دوران قذافی برای لیبیایی‌ها تضمین شده بود.

### دلایل اصلی این تجاوز وحشیانه نظامی کدامند؟

**یکم اینکه** اگر چه شیوه حکمرانی قذافی دمکراتیک نبود و دیکتاتوری او و طبقه بورژوازی ملی یا متوسط بر مردم اعمال می‌شد با این وجود آنچه که او را مغضوب غرب ساخت، استقلال نسبی سیاسی و اقتصادی این کشور بود.

**دوم اینکه** لیبی با داشتن بزرگترین منابع انرژی آفریقا و بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار ذخایر ارزی، بدهی خارجی تقریباً صفر، اجرای بزرگترین پروژه آبیاری و آبرسانی جهان، حمایت از خلق فلسطین و نهضت‌های ضد استعماری و تلاش برای ایجاد واحد پول مشترک در آفریقا و تضعیف هژمونی دلار، از زمره جنایات نابخشودنی قذافی بود. این جنایتکاران با همین انگیزه مسبب بحران در اوکراین هستند باید در یک دادگاه بین‌المللی محاکمه و مجازات شوند.\*

سیل عظیم اخراج‌ها و توییح‌ها و سرکوب کارگران در چند سال اخیر. نکته مورد توجه در این میان سکوت دولت در وقایع این چنینی است و این انفعال با توسل به معاذیری از این دست که کارفرما مالک است و شرکت خصوصی است و مطابق قوانین موضوعه دولت اختیار ورود به این بخش را ندارد توجیه می‌گردد. حال آنکه این خصوصی سازی از شروع دولت به اصطلاح موسوم به سازندگی هاشمی رفسنجانی یکی از ارکان رسمی پیاده سازی سیاست‌های نو لیبرالی در ایران بود به نحوی که بتوان دولت و شرکت‌های دولتی را از تبعات استثمار، اخراج و سرکوب کارگران مبرا کرد و زمینه را برای رشد بلاقید سرمایه داری خصوصی و استثمار هر چه بیشتر طبقه کارگر فراهم ساخت، که به نوبه خود به صورت کاملاً بی عیب و نقص تا امروز ادامه داشته است. طوری که می‌توان گفت حکومت ایران در اجرای سیاست‌های نو لیبرالی و ضد کارگری یکی از موفق‌ترین‌ها در جهان در دهه‌های گذشته بوده است.

از دیگر ابزارهای فشار بر طبقه کارگر افزایش قیمت سوخت و حامل‌های انرژی است. به نحوی که دولت هر ساله در مقاطع مختلف دست به افزایش این قیمت‌ها می‌زند و از این طریق کسری‌های ناشی از سوء مدیریت و فساد سیستماتیک در بدنه حاکمیت را از جیب کارگران تأمین می‌کند. بدیهی است که افزایش بهای این فرآورده‌ها یکی از اساسی‌ترین عوامل تورم‌زا در تمام اقلام و خدمات مورد نیاز کارگران است. این در حالی است که میزان افزایش حقوق کارگران به هیچ عنوان با شاخص رشد سالانه تورم هم‌خوانی ندارد و در واقع به کاهش قدرت خرید آنها می‌انجامد به دیگر روی دولت هر ساله دست به کاهش حقوق کارگران می‌زند و این نمایش تشکیل کارگروه‌های مختلف برای تصمیم‌گیری به افزایش حقوق کارگران در آستانه تغییر سال، نوعی عوام‌فریبی و دروغ‌گویی بیش نیست.

روشن است که ادامه این روند جز به تضعیف اقتصادی هر چه بیشتر اکثریت مطلق جامعه ایران یعنی همان طبقه کارگر به نفع اقلیت سرمایه داران خوار نخواهد انجامید، همانطور که در اکثر کشورهای جهان در بر این پاشنه می‌چرخد. این به معنی دیکتاتوری کمترین‌ها بر بیشترین‌هاست. سرکوب اکثریت مطلق توسط اقلیت محدود، که منجر به رشد بزهکاری، فحشا و اعتیاد، زباله‌گردی کودکان و انواع و اقسام معضلات اجتماعی می‌گردد و این ننگ را با هزار غسل نمایشی انتخابات آزاد بورژوازی نمی‌توان شست.

راه برون رفت از این شرایط نه شرکت در انتخابات نمایشی، نه یاری جستن از کار "گروه‌های دولتی افزایش حقوق کارگران" نه اعتراضات پراکنده و فاقد دورنما و نه شورش‌های کور مورد تشویق شبکه‌های خائن فارسی زبان خارجی است. بلکه تنها از طریق تشکیل و عضویت در سندیکاها، مستقل کارگری و در نهایت همبستگی و همکاری تشکلات دمکراتیک و توده‌ای کارگری زیر پرچم ورهبری حزب واحد طبقه کارگر است. مبارزه در راه آزادی از این بند در مقابل جلادان ستمگری که از تمامی ابزار سرکوب، تنبیه و تبلیغ بهره‌مندند و با تشکیلات و سازماندهی اداره می‌شوند جز با تشکیلات و سازماندهی متقابل امکان پذیر نیست. چاره کارگران وحدت و تشکیلات است.\*



می‌باشند و یا اینکه خود به تنهایی متکفل مخارج فرزندان باشند در نظر گرفته شده که موضوع بند ۴ ماده ۶۸ قانون خدمات کشوری می‌باشد که باید از مزایای کمک هزینه عائله مندی و اولاد برخوردار شوند. این اقدام درست در این رابطه مقرر شده که شخصی که دارای فرزند است، عهده دار مخارج بیشتری در مقایسه با خانواده های بدون فرزند است و باید در این رابطه کمک های مالی ویژه ای برای او در نظر گرفته شود. در این مورد سیمین یعقوبیان مشاور امور بانوان کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان خراسان رضوی به اصل بیستم قانون اساسی اشاره کرده که در آن همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

اما تاکید بر عدم تبعیض در مورد میزان حقوق برای کار مساوی خود بیانگر این واقعیت است که در دوران تسلط سرمایه بر کار از هر گونه تفاوتی اعم از سن، جنس، قومیت، اعتقادات سیاسی و مذهبی در تمامی این جوامع چه در ایران و یا در هر کشور دیگر استفاده گردیده تا به گونه ای استثمار را بیش از پیش تشدید کنند. اما مبارزات دلاورانه کارگران و سایر اقشار اجتماعی همواره باعث بوجود آمدن حقوق پیشرفته و بوجود آمدن سازمان های سیاسی و صنفی، کانون های مختلف اجتماعی در کشورهای مختلف گردیده تا بتوانند حتی در شرایط تسلط سرمایه بر کار به شکل دادن قوانینی برای برخورداری از حقوق اجتماعی اقشار مختلف جامعه باشند.

بنابراین بر طبق قوانین مصوبه دولت جمهوری اسلامی ایران مزایای عیدی به تمامی زنانی که شامل این مصوبه می‌شوند باید بدون بهانه و با فوریت پرداخت گردد. در غیر این صورت دولت باید جوابگو باشد که چرا قوانین مصوبه کشور را نمی‌تواند و یا چرا نمی‌خواهد به اجرا بگذارد. این همه فشار مضاعف بر زنان ایران بویژه زنانی که نان آور خانه هستند و در اثر بی عدالتی و تبعیض و ستم جنسیتی و قوانین بازار کار در رنجند تا کی؟

حاکمیت سرمایه داری اسلامی ایران پس از بیش از چهاردهه از انقلاب بهمن گامی برای بهبود شرایط زندگی آنها برنداشته است. زنان مبارز و شاغل ایران تنها با تشکل و آگاهی و در کنار مردان زحمتکش می‌توانند متحداً مطالبات خود را بر زن ستیزان حاکم تحمیل کنند.\*



## فشار مضاعف بر زنان شاغل و بازنشسته در آستانه سال نو

طبق اعلام علی بهادری جهرمی در بیست و چهارم بهمن ماه هیئت دولت عیدی پایان سال کارکنان دستگاه های اجرایی را یک میلیون و ششصد هزار تومان مقرر کرده است. در این رابطه همچنین می‌باید به کارکنان متأهل مشمول کمک هزینه عائله مندی و اولاد، چهارصد هزار تومان و به ازای هر فرزند تحت تکفل هم صد و پنجاه هزار تومان پرداخت شود. همچنین بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی هم شامل این موارد خواهند بود.

در متن این اعلامیه هیچ تفاوتی میان زنان و یا مردان شاغل و یا بازنشسته دیده نمی‌شود، اما در عمل زمانی که فیش های عیدی صادر شد، زنان مشمول متوجه شدند که به آنها تنها عیدی پایه تعلق گرفته است و از مزایای عیدی محروم گشته اند. حال نگاهی می‌کنیم به ماده ۳۸ قانون کار که در آن تبعیض جنسی جایی ندارد: "برای انجام کار مساوی که در شرایط مساوی در یک کارگاه انجام گیرد باید به زن و مرد مزد مساوی پرداخت شود. تبعیض در تعیین میزان بر اساس سن، جنس، نژاد و قومیت و اعتقادات سیاسی و مذهبی ممنوع است". همچنین بر اساس قانون مدیریت و خدمات کشوری مزایای دیگری هم برای زنان کارمند دولت اعم از زنان شاغل یا بازنشسته و وظیفه بگیر مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری، در صورتی که دارای همسر نبوده و یا همسر آنان معلول و یا از کار افتاده



## به مناسبت شروع سال ۱۴۰۱

نوشته زیر را با چند بیت از کتاب «شاهنامه»، کتاب ایران، کتاب همه ایرانیان، سروده «فردوسی» بزرگ، حماسه سرای بی همتای تمام اعصار و امصار و مَفخرهمه ایرانیان، شروع می‌کنیم.

«نگه کن بر این گنبد تیز گرد  
که درمان ازویست و زویست درد  
نه گشت زمانه به فرسایش  
نه این رنج و تیمار بگزایدش  
نه از گردش آرام گیرد همی  
نه چون ما تباهی پذیرد همی  
ازو دان فزونی، زو دان شمار  
بد و نیک، نزدیک او آشکار»

از این ابیات به خوبی پیداست که «فردوسی»، برخلاف باورهای دینی و مذهبی رایج، که گردش ایام و گشت زمانه را از «نیروهای غیبی» و «ماورای طبیعت» می‌دانند و اعتقاد به «مدبر» اللیل والنهار» دارند، باور دیگری دارد و معتقد است که این گنبد تیز گرد هرگز از گردش آرام نمی‌گیرد و گذشت روزگار او را نمی‌فرساید. قدیم هست و از قبل از پیدایش حیات بوده و زین پس نیز خواهد بود. این آدمیان، موجودات، گیاهان و تمامی پدیده‌های طبیعت هستند که طبق قوانین جاودانی دیالکتیک «تضاد و تغییرات»، پدید می‌آیند و رشد می‌کنند و سپس فرسوده و تباهی می‌یابند و به دنبال و در امتداد آن دوباره شمار و فزونی می‌گیرند.

صدسال دیگر، در همین زمان، سال ۱۵۰۱ شروع خواهد شد. در آن زمان، کسی ابتدا به این فکر نخواهد کرد که آدم‌های زمان «ما» چگونه روزگار سپری کردند و یا چه کشیدند! صدسال دیگر، نسلی پدید خواهد آمد که اصلاً خاطره‌ای از «ما» نخواهند داشت! چنانچه ما از نحوه زندگی ایرانیان دوره قاجار اطلاع کافی نداریم! تا آن زمان میلیاردها اتم‌های تشکیل دهنده وجود «ما»، به حکم قوانین طبیعت و گردش

«گنبد تیز گرد»، و به دلایل ناشناخته، وجود ما را از هم تفکیک کرده و به راهشان ادامه خواهند داد تا چیز دیگری بشوند. چنین است روایت ما انسان‌ها و تمامی موجودات جهان هستی! اما، از گردش ایام و حکم خلل ناپذیر طبیعت و به گفته معروف، «هردم از این باغ بری می‌رسد - تازه تر از تازه تری می‌رسد»، نسل‌ها پدید و ناپدید می‌شوند و پیوسته نو جای کهنه رامی‌گیرد. بنابراین جایی برای «مقلب و مدبر» باقی نخواهد ماند!

«کارل مارکس» در جایی می‌گوید: «سیاستمداران اگر با هم توافق کنند، دارای مان رامی‌زدند و اگر به اختلاف برسند جان مان را می‌گیرند!»

و در جایی دیگر می‌نویسد: «زیباترین چیز برای انسان زندگی است. زندگی فقط یکبار به او داده می‌شود، پس باید آنرا چنان گذراند که سال‌های به هدر رفته عمر، موجب عذابی دردناک نگردد و بر پیشانی داغ رسوایی نزند و تا به هنگام بدروند زندگی بتوانیم بگویم؛ همه اوقاتم صرف زیباترین چیزهای جهان، صرف مبارزه در راه رهایی بشریت بوده است.» پس در این سال جدید باید فکرواندیشه را نو تر کرد. باید کتاب خواند، مطالعه کرد، با فروتنی به سخنان درست و علمی دیگران گوش داد، باید فکرواندیشه را پرواز داد، باید مغز، این پیچیده ترین و شگفت انگیزترین ماده حیات را در راه مبارزه با پلیدی‌ها و نا مردمی‌ها پرورش داد و مسلح کرد، باید وقایع و اتفاقات راصبورانه و با دیده شک و تردید مورد بررسی قرار داد تا به کنه قضایا دست پیدا کرد. نباید صرفاً به دنبال سودجویی و منفعت طلبی گام زد و خود را برتر از دیگران دانست. باید احساس وظیفه، وفای به عهد، همبستگی، اتحاد و میهن‌دوستی را پاس داشت. اگر کسی از روی نادانی و یا خودخواهی و یا اجبار، از آزادی و عدالت اجتماعی و نوع دوستی چشم پوشد، از مقام انسانی خود سقوط کرده است.

سرنوشت میهن‌مان باید به دست خود «ما» رقم بخورد و نه توسط بیگانگان و بیگانه پرستان. بنابراین در این سال جدید، به گفته «مولوی» باید گفت:

**آتش از عشق در دل برفروز - سربه سر تکرار و عادت را بسوز!**



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتن با ما تماس حاصل فرمائید

غربی نقل مکان نمود و به نمایندگی خارجیان در شورای عمومی دانشجویان دانشگاه فنی دارمشتات انتخاب گردید. وی در این مقام خدمات فراوانی به کنفدراسیون جهانی انجام داد و هزینه حداقل ۴ شماره انتشار نامه‌های پارسی ارگان تحقیقی کنفدراسیون جهانی را از طریق امکانات قانونی که در اختیار داشت تقبل نمود.

علی‌اکبر در تمام دوران حکومت استبدادی محمد رضا شاه، تحت تعقیب رژیم ستمشاهی قرار داشت و به ویژه به علت اشغال کنسولگری ایران در مونیخ برای نجات جان زندانیان محکوم به مرگ در ایران قادر نبود به ایران باز گردد. رژیم وابسته به امپریالیسم و استبدادی محمدرضا شاه نام وی را همراه با نام بسیاری دیگری از اعضای مبارز کنفدراسیون جهانی برای ایجاد رعب و وحشت در نشریه کیهان هوایی منتشر ساخت و برایشان خط و نشان کشید.

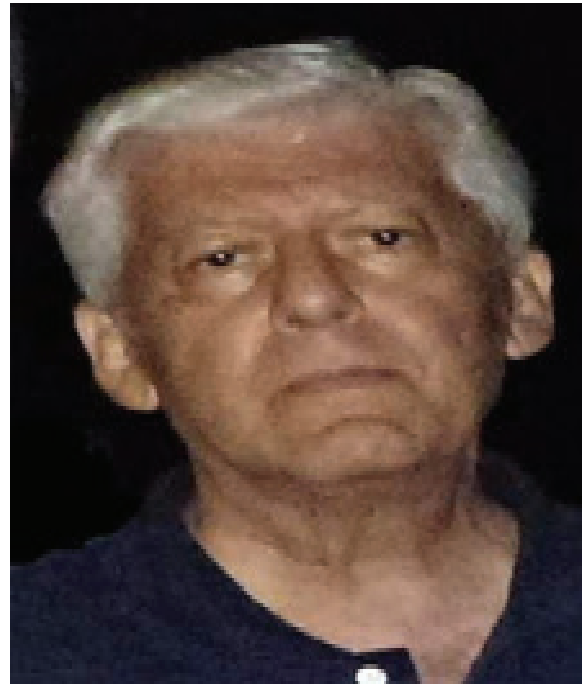
علی‌اکبر در زمان اختلافات در درون کنفدراسیون به دبیری کنفدراسیون جهانی (دارمشتات) انتخاب شد و به فعالیت‌های ضد رژیم خود برای کسب استقلال و آزادی در ایران ادامه داد و در آغاز انقلاب ایران برای شرکت در انقلاب به ایران رفت و به مبارزه خود تا روز آخر برای استقرار دموکراسی و تحقق حقوق بشر و افشاء مافیای در قدرت ادامه داد. وی هرگز نتوانست روش آشتی‌جویانه با مستبدان و مفسدان داشته باشد. وی یک مبارز ایراندوست بود و به صراحت نفرت خود را از تهدیدهای امپریالیسم آمریکا برای تجاوز به ایران و گرسنگی دادن به مردم ایران در قالب تحریم‌های جنایتکارانه ابراز می‌داشت.

جای تاسف دارد که علی‌اکبر قادر نشد شاهد انقلاب بعدی ایران باشد، ولی در سنگری که وی ایستاده بود پُر است از سایر فرزندان این آب و خاک که از مبارزه همه‌ی به این راه‌رفندگان الهام می‌گیرند.

ما همدردی خود را به مناسبت درگذشت رفیق علی‌اکبر جزایری شوشتری با همسر و فرزند وی و سایر اعضای خانواده‌اش ابراز می‌داریم و این ضایعه را به همه اعضای سابق کنفدراسیون جهانی، به همه راهروان راه آزادی و استقلال ایران تسلیت عرض می‌کنیم.

یادش گرامی باد و راهش پُر رهرو!  
از جانب یاران، دوستان و همسنگران علی‌اکبر جزایری شوشتری

مورخ ۲۹ بهمن ۱۴۰۰ برابر ۱۸ فوریه ۲۰۲۲ \*



## درگذشت زنده یاد علی‌اکبر جزایری شوشتری را به اطلاع یاران و دوستانش می‌رسانیم

تولد ۲۳ مهر ماه ۱۳۲۱ درگذشت ۲۹ بهمن ۱۴۰۰

دوست مبارز ما مهندس علی‌اکبر جزایری شوشتری پس از یک بیماری طولانی مدت در روز ۲۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۰ در بیمارستان در ساعت هشت و نیم صبح در گذشت.

\*\*\*

علی‌اکبر در یک خانواده مذهبی و مرفه در ایران به دنیا آمد و از همان دوران مبارزات مردم ایران در راه ملی کردن صنعت نفت ایران در کنار مردم ایران قرار گرفت و زندگی خویش را وقف خدمت به ایران و مردم آن نمود. وی در سال ۱۹۶۸ به شهر مونیخ در کشور آلمان آمد و به عضویت کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی) درآمد. علی‌اکبر یکی از فعالان و کادرهای سازمان دانشجویان ایرانی در مونیخ بود که در کمیته دفاع این سازمان فعالیت فراوانی در دفاع از حقوق زندانیان سیاسی در ایران کرد و در نجات جان آنها موثر بود. سپس برای ادامه تحصیل به شهر دارمشتات در آلمان



«رادا مردانی» در اعتراض به شیوه برخورد خشن و سرکوبگرانه با او و برای شنیده شدن صدایش دست به اعتصاب غذا زد. مسئول جان او کسانی هستند که این وضعیت را به معلمان و «مردانی» تحمیل کرده‌اند.

#### ۴ اسفند

سندی‌کای کارگران نیشکر هفت تپه با انتشار اطلاعیه‌ای سرکوب، بازداشت و شکنجه فرهنگیان را محکوم ساخت. در این اطلاعیه آمده است: «... معلمان و معترضین را آدم‌ربایی می‌کنند، کتک و شکنجه می‌کند و در نهایت توسط بی‌داده‌ها با اتهامات واهی «محاومه» می‌شوند. باید نیروهای «خودجوش» و «آتش به اختیار» شعبان بی‌مخ‌ها، و تمامی نیروهای سرکوبگر بدانند که جنبش کارگری (کارگران، معلمان و بازنشستگان، پرستاران و مزدبگیران، بیکاران، سوخت‌بران و کولبران و دیگر ستم دیده گان) نه با زندان و شکنجه، نه با تهدید و ارباب، عقب‌نشینی نخواهند کرد...»

#### ۵ اسفند

«شعبان محمدی»، عضو ارشد انجمن صنفی فرهنگیان مریوان، بعد از ۲۵ روز با قرار وثیقه آزاد شدند. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران خواستار توقف احضار و پرونده‌سازی علیه معلمان و آزادی بدون قید و شرط تمام معلمان در بند شد.

#### ۷ اسفند

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در محکومیت دستگیری روح‌الله (رادا) مردانی بیانیه‌ای منتشر ساخت که در بخشی از آن آمده است: «شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکومیت شدید دستگیری روح‌الله (رادا) مردانی خواهان آزادی بدون قید و شرط این معلم زندانی جوان و صادق است، که در تمام شهرهای ایران، معلمان یک صدا فریاد می‌زنند: معلم زندانی آزاد باید گردد، دستگیری معلمان نشانه دهن کجی حاکمیت به مطالبه جدی و اصلی معلمان کشور است که مسلماً حسن عاقبت برای گردانندگان این تفکر مخرب نخواهد داشت. امید می‌رود حاکمیت به جای نزاع و تضییع حقوق معلمان کشور با تغییر رویکرد خود، با پاسخگو کردن همه ارکان قدرت در پیشگاه ملت و جلوگیری از حراج منابع کشور و غارتگری‌های افسارگسیخته، راهی را به پیماید که بیش از این شاهد ویرانی‌های بیش از پیش کشور نباشیم. رادا (روح‌الله) مردانی را آزاد کنید. این خواست عموم معلمان ایران است.»

جمعی از فعالان صنفی و معلمان با «شعبان محمدی»، عضو ارشد انجمن صنفی فرهنگیان مریوان دیدار کردند



## در جبهه نبرد طبقاتی

### اخبار و گزارشات و اعتراضات کارگری اسفند ماه ۱۴۰۰

سال ۱۴۰۰ را در حالی پشت سر گذاشتیم که پاسخ حاکمیت سرمایه‌داران نتولیرال اسلامی به مطالبات بر حق و مسالمت‌آمیز کارگران و زحمتکشان چیزی جز سرکوب، بازداشت، شکنجه، فریب و وعده‌های توخالی نبود. این حقیقت آشکار بار دیگر نشان داد که با سرمایه‌داران نمی‌توان با زبانی غیر متحد و غیر متشکل برخورد کرد. تا زمانی که در مقابل حاکمیت سرمایه‌تشلکات کوچک و ضعیف و ناهماهنگ و پراکنده وجود دارد، سرمایه‌داران قدم جدی به عقب بر نمی‌دارند و حاصل کارگران و زحمتکشان چیزی جز سقوط به ورطه فقر، بیکاری، گرانی و... نیست. پیروزی را ولو کوچک باید گام به گام به‌دست آورد و این امر جز با وحدت و تشکیلات ممکن نخواهد بود.

در اسفند ماه اگرچه نیروهای سرکوبگر به بازداشت و بگیر و ببند ادامه دادند، اما مبارزه کارگران و معلمان و بازنشستگان ادامه داشته و رژیم را به چالش گرفتند. در ذیل به بخشی از این وقایع مبارزاتی اشاره می‌کنیم:

### سرکوب و مقاومت

#### ۱ اسفند

«شبیم بهارفر»، معلم و فعال صنفی معلمان، که در تجمع روز قبل بازداشت شده بود، ظهر امروز با قرار کفالت پنجاه میلیون تومانی آزاد شد.

«محمد حبیبی»، سخنگوی کانون صنفی معلمان ایران (تهران)، که شهریور ماه امسال با رأی هیات تخلفات وزارت آموزش و پرورش برای بار دوم بازخرید و اخراج شده بود، پس از پیگیری حقوقی و با رای دیوان عدالت اداری، به صورت موقت به سر کار بازگشت.

#### ۳ اسفند



**۹ اسفند**

روح‌الله (رادا) مردانی با قرار وثیقه از زندان مرکزی خرم‌آباد آزاد شد. «عزیز قاسم‌زاده» و عده‌ای از فرهنگیان در هنگام آزادی به استقبال «مردانی» رفتند.

**۱۶ اسفند**

کانون نویسندگان ایران به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن بیانیه‌ای منتشر ساخت که در بخشی از این بیانیه آمده است: «... کانون نویسندگان ایران در آستانه ۸ مارس، بر دو حق مغفول مانده زنان، حق تشکل‌یابی و حق نشر آزادانه آرا و آثارشان تأکید می‌کند و حمایت خود را از مطالبات برابری خواهانه و احقاق حقوق آنان اعلام می‌دارد. کانون نویسندگان ایران همچنین خواستار آزادی همه زندانیان سیاسی از جمله زنان شجاع در بند است.»

**۱۷ اسفند**

به حکم شعبه ۱ اجرای احکام دادسرای انقلاب ناحیه ۳۳ به وثیقه گذار «منوچهر سراج»، از فعالین سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران، که در فیروزکوه فعالیت دارد، ۳۰ روز مهلت دادند تا «منوچهر» را تسلیم زندان کند. سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران ضمن محکوم کردن این عمل غیرانسانی و حمایت بی‌دریغ از «منوچهر سراج» و وثیقه‌گذارش، خواهان آزادی همه کنشگران صنفی از «اسماعیل عبدی» تا «شاپور احسانی راد» و «عالیه اقدام دوست» شد.

جمع قابل توجهی از فرهنگیان سراسر استان خوزستان جهت همراهی اعضای کانون صنفی معلمان خوزستان (علی کروشات، پیروز نامی و فرنگیس نسیم‌پور)، که در اهواز دادگاه داشتند، با همراه داشتن ساک و وسایل شخصی مقابل دادگاه تجمع کردند و به نیروهای امنیتی نشان دادند که تا آخرین لحظه دوستان و یاران خود را تنها نخواهند گذاشت و در این راه حتی آماده زندان رفتن نیز هستند. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران ضمن حمایت از این فعالان صنفی خواهان مختومه شدن پرونده آنان است. «معلم‌ان زندانی بدون قید و شرط باید آزاد شوند!»

**۱۸ اسفند**

سه عضو کانون صنفی فرهنگیان قزوین (مریم زیرک، اسماعیل فرهنگ منش و علی‌الله‌بخش) برای پاسخگویی به اتهامات واهی «تبلیغ علیه نظام، تشویش اذهان عمومی و نشر اکاذیب» در دادسرای عمومی و انقلاب قزوین حاضر شدند و بعد از تفهیم اتهام بوسیله بازپرسی ششم دادسرای قزوین با قرار کفالت هفتاد میلیون تومانی تا زمان تشکیل دادگاه آزاد شدند. جمعی از معلمان و فعالان صنفی در همراهی با این سه عضو کانون صنفی معلمان قزوین در مقابل دادسرای عمومی و انقلاب قزوین تجمع کردند.

حکم «امیرعباس آذرم‌وند» بدون اطلاع قبلی به اجرا درآمد. ایشان پس از مراجعه به دادسرای اوین، در اقدامی ناگهانی و به دستور قاضی پرونده، حکم ۴ سال و ۳ ماه حبس او بدون اعلام قبلی به اجرا درآمده و او به زندان منتقل شد.

**۱۹ اسفند**

«کیوان باژن»، نویسنده، روزنامه‌نگار و عضو کانون نویسندگان ایران پس از گذراندن بیش از یک سوم از حکم سه و نیم ساله‌ی خود به صورت مشروط از زندان اوین آزاد شد. «مهدی فتحی»، کنشگر صنفی از استان فارس طی یک دادرسی ناعادلانه در دادگاه انقلاب فارس به ۱۲ سال حبس، دو سال تبعید به گرمسار، دو سال ممنوع‌الخروجی و دو سال ابطال گذرنامه محکوم شد.

«فتح‌الله غلامی» و «محمد عالی‌شوندی» از اعضا هیئت مدیره انجمن صنفی معلمان فارس، به دادگاه فراشبند احضار شدند. انجمن صنفی معلمان فارس ضمن اعتراض به این احضارها اعلام کرده‌اند روز شنبه مورخه ۲۱/۱۲/۱۴۰۰ از سراسر استان فارس مقابل دادگستری شهرستان فراشبند حضور خواهند یافت و این فعالان صنفی را تنها نخواهند گذاشت.

کانون صنفی فرهنگیان استان گیلان ضمن دعوت از فرهنگیان برای شرکت در تجمع صبح روز شنبه، ۲۱ اسفند، در مکان اداره آموزش و پرورش شهرستان رودسر، به مناسبت دادگاه «عزیز قاسم‌زاده»، خواهان تبرئه این کنشگر صنفی شد.

**۲۱ اسفند**

«نصرت بهشتی»، معلم بازنشسته، با وجود موافقت دادگاه برای استفاده از مرخصی درمانی تا ۱۸ فروردین، در آستانه نوروز با دریافت احضاریه‌ای جهت تحمل ادامه حبس به زندان فراخوانده شد.

پس از شکل‌گیری هسته اولیه تجمع معلمان در رودسر در حمایت از «عزیز قاسم‌زاده»، پلیس با خشونت اقدام به پراکندن معلمان نمود، خودروهای حامل معلمان از سایر شهرها را متوقف ساخت و افراد را مورد ضرب و شتم قرار داد. نیروهای امنیتی و لباس شخصی «محمود بهشتی لنگرودی»، «محمود صدیقی‌پور»، «حسن نظریان»، «مسعود فرهیخته»، «امیرحسین آقاجان» و «بهرام بخشی‌پور» را به همراه چند نفر دیگر دستگیر کردند. لازم به ذکر است که بعد از چند ساعت افراد بازداشت‌شده آزاد شدند. در فاصله روزهای پانزدهم تا ۲۱ اسفندماه ۱۴۰۰ استان‌های فارس، قزوین، خوزستان و گیلان شاهد برگزاری دادگاه‌های متعدد برای فعالان صنفی معلمان بوده‌اند و در همان حال فرهنگیان و دیگر کنشگران صنفی و سیاسی به حمایت از فرهنگیان بازداشتی و زندانیان دست به تجمعات گوناگون زدند.

**۲۲ اسفند**

«سها مرتضایی» و «الهام صالحی» آزاد شدند و «علیرضا ثقفی» و «هاله صفرزاده» جهت تحمل حبس به زندان کچویی منتقل شدند.

### ۲۳ اسفند

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با انتشار بیانیه‌ای زندانی کردن «امیرعباس آزرمنوند»، روزنامه نگار و از حامیان طبقه کارگر را شدیداً محکوم ساخت و خواستار آزادی بی قید و شرط «امیرعباس آزرمنوند» و تمامی فعالین زندانی کارگری، معلمان، بازنشستگان و حامیان طبقه کارگر شد.

به دنبال تشدید سرکوب و ارباب معلمان و فعالان صنفی، شنبه ۱۲ بازپرسی دادگاه انقلاب اهواز پنج تن از فعالان صنفی (آقایان بهنیا بهمنی نژاد، شهریار شیروانی، سیامک چهرازی، اقبال تامرادی و خانم کوکب بداعی) را به دادسرا فراخواند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن حمایت از فعالان صنفی خوزستانی این خط سرکوب را محکوم نموده و خواهان مختومه شدن پرونده این عزیزان شد. سه تشکل مستقل بازنشستگان با انتشار یک بیانیه مشترک پیرامون محکومیت سرکوب معلمان در رودسر و در حمایت از تداوم جنبش معلمان و همچنین پیوند با معلمین زندانی اعلام داشتند: «... ما بازنشستگان، این سیاست وحشیانه و عمل شنیع نیروهای سرکوبگر را محکوم می‌نمائیم و حاکمیت بایستی از معلمین آزاده و فرهیخته در سراسر کشور عذرخواهی و طلب بخشش نموده و به احضارها خاتمه داده و همه زندانیان کارگر و معلم و ... را بدون قید و شرط فوراً آزاد نماید. «کارگر، معلم، بازنشسته، دانشجو ... اتحاد، اتحاد!»»

### ۲۴ اسفند

دو تن از اعضای کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر (رسول بداقی و حمید قندی) و «بختیار رضوانی» معلم و فعال صنفی گچساران به دادگاه احضار شدند.

### ۲۵ اسفند

«محمدرضا بهزادپور»، فعال صنفی و مدیر دبیرستان امام خمینی ساردوییه، به دلیل حضور در تجمعات اعتراضی معلمان به هیات تخلفات اداری اداره کل آموزش و پرورش استان کرمان احضار شد.

«محمدرضا شریعتی نیا»، دبیر زبان شهرستان زاوه خراسان رضوی به دادسرا احضار شد.

«بختیار رضوانی» با حکم دادیاری شعبه دوم گچساران، توسط اطلاعات سپاه بازداشت و مورد بازجویی قرار گرفت.

### ۲۶ اسفند

«بختیار رضوانی»، بعد از تودیع کفالت ایشان، به صورت موقت

آزاد شد. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکوم کردن بازداشت این فعالان صنفی، خواهان مختومه شدن پرونده فعالان و آزادی تمام معلمان زندانی است.

### ۲۹ اسفند

همسر و فرزندان «عبدی» با «اسماعیل عبدی» در زندان کرج، در لحظه تحویل سال ۱۴۰۱ دیدار کردند.

### فرهنگیان

#### ۳ اسفند

ادامه تجمعات اعتراضی سراسری معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته در تهران و ده‌ها شهر کشور از جمله رشت، شیراز، زنجان و ... برگزار شد. معلمان بار دیگر بدون در نظر گرفتن احضارها و تهدیدهای تلفنی و بازداشت‌های چند روز گذشته، یکبار دیگر در اعتراض به عدم رفع تبعیض و عدم اجرای رتبه‌بندی و همسانسازی حقوق، به خیابان‌ها آمدند و با شعارهایشان، خواستار رفع تبعیض و آزادی معلمان زندانی و آموزش رایگان برای همه شدند. سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن حمایت از تمامی مطالبات بحق معلمان، هرگونه تهدید و فشار، ارباب و پرونده سازی علیه معلمان حق خواه را محکوم ساخت و خواستار آزادی بدون قید و شرط تمامی بازداشت‌شدگان اخیر و آزادی معلمان در بند شد. در شهرهای مختلف فرهنگیان و کارگران فعال به سخنرانی پرداختند. در پایان تجمعات قطعنامه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران خوانده شد که در بخشی از آن آمده است: «... از همه معلمان کشور، که برای یازدهمین بار از آغاز سال تحصیلی به دعوت شورای هماهنگی لییک گفته‌اند، اعلام می‌کنیم که صدای حق خواهی معلمان نه تنها با هیچ حربه‌ای خاموش نمی‌شود، بلکه پژواک صدای معلمان آموزه‌ای برای فریاد دردمندانی است که تنها راه رهایی از وضعیت اسفبار کنونی را مطالبه گری مستمر و خستگی‌ناپذیر می‌پندارند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران همچنان بر عهد و پیمان خود با معلمان سرزمینش وفادار است و تا تحقق خواسته‌هایش تمام توان خود را به کار می‌بندد. ایمان واثق داریم که آینده ایران در گرو جنبش کنونی معلمان ایران رقم می‌خورد.»

جمعی از قبول‌شدگان کارنامه سبز آزمون استخدامی آموزش و پرورش در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مجدداً دست به تجمع زدند

#### ۵ اسفند

معلمان حق‌التدریسی، قبول‌شدگان مرحله سوم دانشگاه فرهنگیان، در اعتراض به دریافتی پایین و صادر نشدن احکام خود، سومین روز از تجمع اعتراضی خود را در مقابل مجلس برگزار کردند.

**۱۷ اسفند**

جمعی از معلمان حق‌التدریسی (قبول شدگان مرحله‌ی سوم دانشگاه فرهنگیان)، در اعتراض به دریافتی پایین و صادر نشدن احکام خود مجدداً مقابل مجلس دست به تجمع زدند. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران با انتشار اطلاعیه‌ای حمایت خود را از معلمان حق‌التدریسی اعلام نمود.

**۱۷ اسفند**

سرایداران و خدمتگزاران آموزش و پرورش مقابل مجلس دست به تجمع اعتراضی زدند.

**۲۱ اسفند**

تشکلات فرهنگیان استان‌های مختلف سراسر کشور در بیانیه‌های جداگانه‌ای سرکوب فرهنگیان گیلان در شهرستان رودسر را محکوم ساختند. کانون صنفی معلمان ایران (تهران) نیز در محکومیت رفتار وحشیانه نیروهای امنیتی با معلمان در گیلان بیانیه‌ای منتشر ساخت. در این بیانیه آمده است: «... ما به عنوان یک تشکل صنفی و مدنی به حاکمان و نیروهای امنیتی اعلام می‌کنیم که حمایت معلمان، از همکاران در بند و همراهی مدنی با فعالان صنفی که با اتهامات واهی به دادگاه فراخوانده می‌شوند، یک وظیفه تشکیلاتی و همیشگی خواهد بود. این مسیر ادامه خواهد داشت و برای شما بهتر است که این همراهی را به رسمیت بشناسید، چرا که هر هزینه‌ای که به ما تحمیل شود، در مقابل حاکمیت هم هزینه‌ای پرداخت خواهد کرد».

**۲۲ اسفند**

جمعی از مریدان پیش دبستانی عشایر ایزده مقابل وزارت آموزش و پرورش دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار تغییر وضعیت و امنیت شغلی خود شدند.

**۲۳ اسفند**

کانون صنفی فرهنگیان گیلان در محکومیت رفتار خشونت‌آمیز با معلمانی که قصد تجمع مسالمت‌آمیز در حمایت از «عزیز قاسم‌زاده» در روز شنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۰ را داشتند، بیانیه‌ای منتشر ساخت که در بخشی از آن آمده است: «کانون صنفی فرهنگیان گیلان بار دیگر بر خواسته‌های برحق صنفی فرهنگیان (آزادی معلمانی که به واسطه فعالیت صنفی زندانی شده‌اند، محتومه اعلام کردن پرونده‌های فرهنگیان فعال صنفی، بازگشت به کار معلمان اخراجی، اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری، تحصیل رایگان برای همه فرزندان جامعه، برخورداری همه فرهنگیان شاغل و بازنشسته از بیمه درمانی کارآمد...) پای می‌فشارد و از مقامات جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد به این خواسته‌ها بی‌توجه نباشند چرا که پیامدهای ناگوار آن به ضرر همه است».

**۲۴ اسفند**

اتحادیه معلمان ایرلند به نمایندگی بیش از ۱۹۰۰۰ معلم و مدرس در ایرلند حمایت خود از اعتراضات معلمان در ایران را اعلام داشت.

**بازنشستگان****۱ اسفند**

بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی در اعتراض به وضعیت حقوق و معیشت‌شان در شهرهای تبریز، اهواز، قزوین، رشت و اراک به طور همزمان تجمع اعتراضی برپا کردند. بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی نسبت به سطح نازل حقوق و مستمری‌ها، مشکلات بیمه تکمیلی و وضعیت بد معیشتی خود معترض هستند و خواهان افزایش و همسان‌سازی کامل حقوق‌ها هستند.

بازنشستگان فولاد اصفهان مقابل ساختمان صندوق در اصفهان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

**۴ اسفند**

بیش از ۳۰ تشکل مستقل بازنشستگان در فراخوان مشترکی بازنشستگان را به تجمع یکشنبه ۸ اسفند ۱۴۰۰ دعوت نمودند. در این فراخوان، که مطالبات بازنشستگان را طرح نموده، آمده است: «... ما بازنشستگان نیز همچنان زیر بار این شرایط تحمیلی مشقت بار نخواهیم رفت و سنت تجمعات خیابانی سراسری خود را در «یکشنبه‌های اعتراضی، متحد و گسترده‌تر، پی خواهیم گرفت و همواره بر این باوریم که: «تنها کف خیابون، بدست میاد، حقمون!»

**۷ اسفند**

سندیکای کارگران شرکت واحد از خواسته‌های بحق بازنشستگان سراسر کشور، از جمله همسان‌سازی حقوق، رفع تبعیض، برخورداری از خدمات رفاهی، درمانی و عدم دست‌درازی دولت به صندوق تامین اجتماعی و ایجاد کانون مستقل بازنشستگان در تامین اجتماعی حمایت خود را اعلام داشت.

**۸ اسفند**

در پی فراخوان سراسری تشکل‌های مستقل بازنشستگی، بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی تهران در برابر مجلس و در ۱۵ شهر از جمله مشهد، کرمانشاه، قزوین، رشت، اراک، شوش، اردبیل، تبریز، بجنورد، خرم‌آباد، شیراز، اهواز، شوشتر در مقابل اداره کل تامین اجتماعی شهرهای خود به طور همزمان دست به تجمع اعتراضی زدند. در پایان تجمع قطعنامه‌ای خوانده شد که در آن به اهم مطالبات بازنشستگان از جمله آزادی بی‌قید و شرط فعالان زندانی اشاره شده بود. در این قطعنامه آمده است: «... طبق فراخوان ۳۱ تشکل مستقل

عدم رسیدگی به مشکلاتشان با شعارهای «فریاد، فریاد، از این همه بیداد»، «اجرای آیین نامه حق مسلم ماست»، مقابل ساختمان وزارت ارتباطات دست به تجمع زدند.

#### ۲۹ اسفند

تشکلات مستقل در شادباش‌های جداگانه و مشترک آغاز سال و رسیدن بهار را به کارگران و زحمتکشان شاغل و بازنشسته تبریک گفتند و با اعلام محکومیت سرکوب زحمتکشان، رسیدن به مطالبات در سال جدید را برای زحمتکشان آرزو کردند و بر مبارزه پیگیر و بی‌وقفه تأکید کردند.

#### نفت، گاز، پتروشیمی و نیروگاه‌ها

#### ۱۴ اسفند

جمعی از کارگران شرکت پتروشیمی آبادان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات خود مجدداً در محوطه شرکت دست به تجمع زدند. این کارگران در اعتراض به وضع نابسامان معیشتی و کاری خود بارها دست به اعتصاب زده‌اند. افزایش حقوق و مزایا، اجرای صحیح طرح طبقه‌بندی مشاغل مطابق با قانون کار، پرداخت حق جذب و حق کارگاهی از جمله مطالبات آنهاست.

#### ۱۶ اسفند

پرسنل شرکت تولید و بهره‌برداری سد و نیروگاه دز در اندیشک، نسبت به افزایش بیکاری روزافزون نیروهای بومی منطقه و استخدام رسمی نیروهای غیربومی، دست به اعتصاب زدند و تجمع اعتراضی برگزار کردند. بازنشستگان شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ در راستای برقراری عدالت و رفع تبعیض بین بازنشستگان شرکت توزیع و سایر بازنشستگان مجموعه وزارت نیرو اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند.

کارگران پروژه‌ای شرکت ساتراپ و شرکت تاراز که در استخدام شرکت پیمانکاری راکی هستند، اعتصاب خود را ادامه دادند. این کارگران که در پتروشیمی بوشهر مشغول می‌باشند، بر اساس فراخوان از پیش تعیین شده دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای دیماه و بهمن ماه است. به دنبال اعتصاب روز گذشته این کارگران، یکی از پیمانکاران به نام «محمد لیموچی» در جمع متحصنین حاضر شد. «لیموچی» مجبور گردید که حقوق دیماه کارگران را پرداخت نماید. اما برای حقوق بهمن ماه وعده داد که آن را در روز بیست و سوم اسفند پرداخت خواهد کرد.

#### ۲۱ اسفند

کارگران پروژه‌ای شرکت ایده‌سازان صدف در اعتراض به عدم پرداخت حقوق ماه‌های دی و بهمن دست به اعتصاب زدند. اعتصاب کارگران پروژه‌ای نفت در اعتراض به عدم پرداخت

بازنشستگان، بار دیگر در یکشنبه‌ای که روز اعتراض ماست، در بستر خیابان بهم می‌پیوندیم تا خواب و آرامش کسانی را، که با تسخیر قدرت، ثروت عمومی را در اختیار گرفته و بی‌محابا همچون غنایم جنگی بین خود تقسیم می‌کنند، بر هم زده و هشدار می‌دهیم که ما بیداریم و تارفع تبعیض و دستیابی به زندگی مناسب و بی‌دغدغه، آرام نخواهیم گرفت...». «نه مجلس، نه دولت / نیستند به فکر ملت!».

جمعی از بازنشستگان و مستمری‌بگیران صندوق بازنشستگی فولاد، در تهران مقابل ساختمان صندوق مرکزی فولاد کشور و در اصفهان و اهواز مقابل ساختمان این صندوق در شهرهای اصفهان و اهواز تجمع کردند و خواستار تحقق مطالبات معیشتی و حقوقی خود شدند. «ظلم و ستم کافیه / سفره ما خالیه!».

#### ۱۵ اسفند

بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی کرج، اصفهان، قزوین، اراک، کرمانشاه، تبریز، بجنورد، اردبیل، شوشتر، کرمان، اهواز، رشت، اردبیل، شوش و هفت تپه مقابل اداره کل تأمین اجتماعی شهرهای خود و در تهران مقابل مجلس، دست به تجمع اعتراضی زدند. در تبریز نیروی انتظامی قصد جلوگیری از تجمع را داشت که با مقاومت بازنشستگان روبرو شد.

بازنشستگان فولاد اصفهان مقابل ساختمان صندوق دست به تجمع اعتراضی زدند.

#### ۱۷ اسفند

بازنشستگان هواپیمایی هما با برگزاری تجمع در برابر مجلس، به تصویب انتقال صندوق بازنشستگی هما به صندوق بازنشستگی کشوری اعتراض کردند.

جمعی از بازنشستگان مخابرات در استان‌های تهران، فارس، اصفهان، خوزستان، قم، آذربایجان، خراسان رضوی، ایلام و چهارمحال و بختیاری در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان و وضعیت نامناسب معیشتی و مستمری‌های نازل مقابل ساختمان شرکت مخابرات در استان‌های خود همزمان دست به تجمع زدند.

#### ۲۲ اسفند

بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای اردبیل، تبریز، کرمانشاه، رشت، بابل، قزوین، دامغان، شوشتر اهواز و اصفهان، در اعتراض به عدم همسان‌سازی و وضعیت بد معیشتی و درمانی، در مقابل ادارات تأمین اجتماعی و در تهران مقابل مجلس دست به تجمع زدند.

جمعی از بازنشستگان و مستمری‌بگیران صندوق بازنشستگی فولاد دامغان، تهران و اصفهان مقابل ساختمان این صندوق در شهرهای خود تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواستار تحقق مطالبات معیشتی و حقوقی خود شدند.

جمعی از بازنشستگان شرکت مخابرات ایران در اعتراض به



فرمانداری شهرستان لردگان راهپیمایی کردند.

## کارگران دیگر

### ۲ اسفند

جمعی از نیروهای کادر درمان در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان مقابل ساختمان وزارت بهداشت دست به تجمع زدند.

کارگران شرکت البرز شرقی شاغل در معدن طرزه دامغان در ادامه اعتراضات دو روز گذشته خود برای سومین روز متوالی مقابل دفتر مرکزی این شرکت در شاهرود تجمع کردند و خواستار تغییر وضعیت شغلی خود شدند.

گروهی از پرستاران مشمول قانون بازنشستگی با مشاغل سخت و زیان آور در محل سازمان مرکزی تامین اجتماعی تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواهان موافقت سازمان، با بازنشستگی آنها بر اساس این قانون شدند. از اهم خواسته‌های پرستاران، پرداخت فوق العاده خاص با ضریب ۳، تصویب طرح استخدامی «بدون سهمیه ایثارگری».

### ۴ اسفند

نیروهای شرکتی مخابرات گیلان با حضور مقابل استانداری خواستار حذف پیمانکاران و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل شدند. این نیروها روز گذشته نیز برای پیگیری مطالبات صنفی خود مقابل اداره کل مخابرات منطقه گیلان جمع شدند.

### ۷ اسفند

کارکنان رسمی مخابرات آذربایجان شرقی در اعتراض به تاخیر در پرداخت مطالبات معوق مزدی، حقوق، عیدی و پاداش، برای چندمین روز متوالی در محوطه ساختمان مرکز مخابرات تبریز دست به تجمع زدند.

گروهی از کارگران معترض پیمانکاری زغال‌سنگ طرزه به همراه شماری از خانواده‌هایشان مجدداً در مقابل ساختمان شرکت زغال‌سنگ البرز شرقی در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت شغلی با حذف شرکت‌های پیمانکاری و عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل تجمع کردند و بر خواسته‌های خود تاکید کردند.

### ۸ اسفند

گروهی از کارکنان شاغل و بازنشسته شرکت مخابرات ایران از شهرهای مختلف کشور در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان، در مقابل ساختمان شرکت مخابرات ایران در تهران تجمع کردند.

### ۹ اسفند

کارگران فصلی شرکت نیشکر هفت تپه در اعتراض به کارهای روزمزد و بدون قرارداد و عدم امنیت شغلی، در مقابل گیت

حقوق‌های سه ماهه پایانی سال از روز ۱۵ اسفند شروع شده و هر بار کارگران از شرکت‌های پیمانکاری مختلفی دست به اعتصاب می‌زنند.

## شهرداری

### ۲ اسفند

کارگران فضای سبز شهرداری شهرستان کارون (کوت عبدالله) برای پیگیری مطالبات حقوقی خود مقابل استانداری خوزستان تجمع اعتراضی برگزار کردند. این کارگران با اشاره به اتمام قرارداد پیمانکار می‌گویند: ۳ ماه حقوق عقب‌افتاده و ۲ ماه بیمه پرداخت نشده طلب داریم. آن‌ها همچنین خواستار اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل بوده و پرداخت مطالبات عیدی و سنوات ۱۱ ماه خود را از مسئولین خواستار هستند.

### ۳ اسفند

گروهی از نیروهای آتش‌نشان تهران در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان مقابل ساختمان شهرداری تهران دست به تجمع زدند.

### ۴ اسفند

کارگران شهرداری رشت با مراجعه به استانداری گیلان پیگیر مطالبات صنفی خود، از جمله افزایش اضافه‌کاری و عیدی و سنوات خود شدند.

### ۷ اسفند

کارگران شهرداری کوت عبدالله مقابل درب ساختمان استانداری در شهر اهواز در اعتراض به عدم پاسخ‌گویی به مطالباتشان و حقوق معوقه خود تجمع کردند.

### ۱۵ اسفند

کارگران شهرداری تبریز در اعتراض به کاهش عیدی خود، در داخل عمارت ساعت (ساختمان شورای شهر تبریز) تجمع کردند.

نیروهای آتش‌نشانی کرج در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به مشکلاتشان دست به تجمع زدند.

### ۱۷ اسفند

در سومین روز از اعتصاب کارگران شهرداری شوش در اعتراض به کاهش عیدی و پرداخت نشدن حقوق، کارگران در برابر شهرداری تجمع کردند.

### ۲۱ اسفند

جمعی از کارکنان شهرداری لردگان در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و مزایای شغلی خود، در محوطه شهرداری دست به تجمع زدند و سپس به منظور پیگیری مطالبات خود به سمت

ورودی کارخانه دست به تجمع زدند.

#### ۱۰ اسفند

با توجه به اینکه در روزهای گذشته بسیاری از کارگران به دلیل شرکت در تجمع و اعتراض روشن کردن چراغ اتوبوس در طی روز، به کمیته انضباط کار احضار شده‌اند، شورای اسلامی کار فرمایشی با صدور اطلاعیه‌ای عنوان کرد در جلسات کمیته انضباط کار شرکت نخواهد کرد. اما با تشکیل جلسات کمیته انضباط کار مشاهده شد که اعضای شورای اسلامی کار فرمایشی در جلسات کمیته انضباط کار حضور دارند و در خدمت پیشبرد سرکوب اعتراضات کارگران هستند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با انتشار اطلاعیه‌ای با تأکید مجدد بر حمایت از اعتراضات کارگران برای اجرای بازنگری طرح طبقه‌بندی مشاغل و دریافت سایر مطالبات، اقدامات شورای اسلامی کار فرمایشی در پیشبرد سرکوب کارگران توسط مدیریت شرکت واحد و حراست را محکوم ساخت.

#### ۱۱ اسفند

کادر بهداشت مراکز خصوصی تبریز برای چندمین بار متوالی برابر فرمانداری تبریز جهت دریافت حقوق معوق شش ماهه خود تجمع اعتراضی برگزار کردند.

#### ۱۲ اسفند

کارگران کارخانه کاغذ پارس هفت‌تپه برای هشتمین روز متوالی به اعتصاب خود ادامه دادند و در اعتراض به عدم پاسخگویی کارفرما به مطالباتشان مجدداً در محوطه شرکت دست به تجمع زدند. کارگران کارخانه کاغذ پارس خواهان حذف واسطه‌ی پیمانکاری با عناوین مختلف و عقد قرارداد مستقیم با شرکت هستند. عدم امنیت شغلی بخاطر قراردادهای پیمانکاری منجر به اخراج تعداد زیادی از کارگران شده است. حدود ۲۵ نفر از کارگران نگهداری پیمانی «معدن زغال سنگ سنگرود» نسبت به دریافت نشدن معوقات مزدی خود، سومین روز تجمع اعتراضی را در محوطه معدن برگزار کردند.

#### ۱۷ اسفند

کارکنان درمانی (مدافعان سلامت) در اعتراض به پرداخت نشدن «فوق‌العاده خاص» و وضعیت ناپایدار شغلی خود، مقابل وزارت بهداشت، دست به تجمع زدند. «فوق‌العاده خاص حق مسلم ماست»، «مدافع! داد بزن! حق تو فریاد بزن!»

#### ۱۸ اسفند

تعدادی از کارورزان دانشگاه علوم پزشکی ایران، نسبت به عدم پرداخت معوقات ۱۱ ماه و عدم اجرای افزایش کمک هزینه تحصیلی ۲۵ درصدی مصوب وزارت بهداشت، برای سومین

روز پیاپی با برگزاری تجمع اعتراضی، خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند.

کارگران شرکت تولید قالب‌های صنعتی سایا در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی، سطح نازل دستمزد و عدم پرداخت هرگونه بُن و ارزاقی از سوی شرکت از ساعت ۱۰ صبح دست از کار کشیدند و مقابل ساختمان اداری شرکت دست به تجمع زدند. پس از شروع اعتصاب و تجمع، مدیریت شرکت بلافاصله مبلغ ۴۵۰ هزار تومان بُن کارت برای تمامی کارگران شارژ نمود اما کارگران اعلام کرده‌اند چنانچه به مطالبات اصلی‌شان پاسخی ندهند به اعتصاب ادامه خواهند داد. این کارگران خواستار افزایش پایه‌ی حقوق خود هستند.

کادر سلامت خرید خدمت علوم پزشکی شیراز، به دلیل تبعیض و تهدید به اخراج، مقابل استانداری، تجمع اعتراضی برگزار کردند. «با کرونا جنگیدیم / حمایتی ندیدیم!»

#### ۲۱ اسفند

شماری از کارگران شرکتهای دولتی، در مقابل ساختمان شورای نگهبان دست به تجمع اعتراضی زدند. تجمع‌کنندگان خواهان افزایش دستمزد متناسب با ماده ۴۱ قانون کار بر اساس سبد معیشت و تورم هستند و نسبت به تأیید افزایش ۱۰ درصدی حداقل مزد در مجلس اعتراض دارند. معترضان از شورای نگهبان می‌خواهند که مصوبه مجلس در بودجه ۱۴۰۱ را تأیید نکند.

کارکنان وزارت جهاد کشاورزی شهرهای سلسله، مهاباد و سنقر مقابل ساختمان مدیریت جهاد کشاورزی، در اعتراض به عدم تصویب طرح تسری فوق‌العاده خاص این وزارت، وضعیت نامناسب معیشتی کارکنان و عدم همخوانی آن با نرخ تورم و گرانی دست به تجمع زدند.

#### ۲۹ اسفند

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با انتشار اطلاعیه‌ای فرارسیدن بهاری دیگر و نوروز را به کارگران و عموم مردم شادباش گفت. در این اطلاعیه اعلام داشت: «امید دارد در سال جدید همبستگی و اتحاد جنبش‌های مطالباتی کارگران، بازنشستگان، معلمان و سایر جنبش‌های مطالباتی جامعه تحقق یابد و با پیروزی منجر به رفاه عمومی برای همگان شود تا به شرایطی برسیم که فاصله طبقاتی وجود نداشته باشد.

...»\*

**عید ما روزی بود کز ظلم آثاری نباشد! چاره رنجبران  
وحدت و تشکیلات است!**

زنان مبارز ایران بایستیم!

### تاریخچه مختصری از روز جهانی زن

در یک چنین روزی یعنی روز ۸ مارس ۱۸۷۵ زنان کارگر کارخانجات نساجی در شهر نیویورک برای بهبود شرایط کارشان و در اعتراض به پایین بودن سطح دستمزد شان، دست به تظاهرات زدند. این حرکت به درگیری قهر آمیز با پلیس آمریکا انجامید و پلیس بطور وحشیانه به تظاهرات حمله کرد و آتروسرکوب نمود. عده ای از زنان تظاهر کننده زخمی و دستگیر شدند. این مسئله باعث شد که زنان کارگر دیگر هم کم کم به حقوق انسانی خود آگاهی پیدا کنند و سعی کنند که راه آنها را ادامه بدهند. حرکت اعتراضی هر سال به حالت آشکار و یا مخفی در کارخانه های مختلف ادامه پیدا کرد. روز ۸ مارس ۱۹۰۷ مجدداً زنان نساج آمریکا با خواست ۱۰ ساعت کار روزانه دست به تظاهرات می زنند که این بار هم تظاهرات آنها با سرکوب پلیس روبرو می گردد و به دستگیری بسیاری از زنان منجر می شود. در این تظاهرات عده ی زیادی از مردان کارگر و زنان طبقات دیگر جامعه نیز شرکت می کنند. در سال ۱۹۰۸ «حزب سوسیالیست آمریکا» به تشکیل کمیته ملی زنان برای کمپین حق رأی زنان در انتخابات اقدام می کند و در مارس همان سال کارگران زن بافنده سوزنی با خواست ممنوع کردن کار برای کودکان و کسب حق رأی زنان در نیویورک تظاهرات می کنند. رویدادهای ۸ مارس همان سال سبب گردید که در سال بعد یعنی سال ۱۹۰۹ این روز بعنوان نخستین روز ملی زنان در آمریکا تثبیت شود. این روز کم کم به روز مخالفت زنان کارگر با دولت و کارفرمایان سرمایه دار، برای بهبود شرایط کار و کسب حقوق اجتماعی برای کل زنان در سراسر دنیای صنعتی، تبدیل می گردد. در کنگره ی بین المللی سوسیالیستها که در سال ۱۹۱۰ در کپنهاگ دانمارک برگزار گردید، «کلاراز تکین» زن سوسیالیست از حزب سوسیال دموکرات آلمان ۸ مارس را بعنوان روز جهانی مبارزه زنان پیشنهاد می کند. کنگره این پیشنهاد را تصویب میکند.

یک میلیون زن سوسیالیست و کارگر و دیگر اقشار اجتماعی همراه مردان خواهان حقوق سیاسی اجتماعی برابر برای همه زنان و مردان شدند. آنها در ۸ مارس سال ۱۹۱۱ در کشورهای آلمان، دانمارک، سوئیس و استرالیا تظاهراتی بر پا می کنند. و با جشن و سخنرانی، خواهان حق رأی، حق کار و آموزش حرفه ای برای زنان شدند. در همین سال در روسیه و چین هم تظاهراتی به مناسبت ۸ مارس برگزار شد در مدتی کمتر از یک هفته از ۸ مارس در آتش سوزی «تریانکل» در شهر نیویورک به خاطر نبود دستگاههای امنیتی و بدی شرایط کار، ۱۴۹ زن کارگر جان باختند. همین موضوع باعث شد که تظاهرات ۸ مارس سال بعد به طور وسیعی در سراسر دنیا برگزار شود و بدی شرایط کار، مورد اعتراض قرار گیرد و محکوم گردد.\*



## فرخنده باد روز جهانی زن

هشتم مارس برابر با ۱۷ اسفند صد و یازدهمین سالگرد روز جهانی زن فرا می رسد. این روز تاریخی روز همبستگی زنان سراسر جهان در پیکار بخاطر رهائی از قیود ارتجاعی و نیل به تساوی حقوق با مردان است. از زمانی که زنان روز همبستگی خود را بنیان نهادند صدویازده سال میگذرد. در طول این مدت زنان با مبارزات خویش برغم افت و خیزهای فراوان توانسته اند در وضع اجتماعی خویش تغییرات بسیاری بوجود آورند. تغییرات شگرفی که در وضعیت اجتماعی زنان با انقلاب کبیر اکثر شوروی و تاثیرات آن در زندگی سراسر زنان جهان بوجود آمد انکار ناپذیر است. شکست موقتی سوسیالیسم، ذره ای از اهمیت و اعتبار انقلابات پیروزمند سوسیالیستی و رهائی زن از قید بردگی و استثمار و درهم شکستن نظام کهن نمی گاهد. گرامی داشت ۸ مارس یعنی تأیید پیکار زنان کارگر جهان در جهت بهبود وضع اقتصادی خود و برابری در حقوق صنفی و سیاسی با مردان، یعنی تأیید مبارزه برای رهائی فکر و اندیشه زن از حصار، که تفاوت جنسیت به دور او کشیده است، یعنی تأیید آزادی، برابری و محو ستم جنسی و طبقاتی! آترا گرامی بداریم. از مبارزه زنان آگاه ایران علیه رژیم زن ستیز سرمایه داری جمهوری اسلامی حمایت کنیم و برای لغو کلیه قوانین ارتجاعی مذهبی و غیر مذهبی؛ لغو هر گونه تبعیض و محدودیت بر حسب جنسیت، آزادی پوشش، آزادی ازدواج و انتخاب همسر و ازدواج غیر مذهبی؛ لغو کلیه قوانینی که به بهانه ناموس ارتکاب جنایت علیه زنان را توجیه می کنند؛ ممنوعیت فحشا بطور کلی و فحشای مذهبی به نام صیغه گری و... بکوشیم. شرکت گسترده زنان ایران در انقلاب بهمن و مبارزه چند دهه اخیر نشان داده است که موفقیت انقلاب آتی ایران، بستگی به میزان شرکت آگاهانه زنان در آن دارد و بدون شرکت میلیونی زنان انقلاب ایران به پیروزی نخواهد رسید.

۸ مارس را گرامی بداریم و با برداشتن گامهایی بلندتر و کاراتر کنار

به کلینیک ما را به خود ندهند. هیچ استثنائی هم وجود ندارد. در صورت لزوم حتی بیمارانی که قرار انجام عمل جراحی دارند را، جراحی نخواهیم کرد. این قاعده حتی در مورد بیمارانی که قبلاً پذیرفته‌ایم نیز صادق است. به این ترتیب ما با خلق اوکرائین اعلام همبستگی می‌کنیم» (!!!). آنها با خلق اوکرائین همبستگی نمی‌کنند بلکه به منجلا بربريت سقوط کرده‌اند. آنها با آدولف هیتلر اعلام همبستگی می‌کنند.

ممکن است خواننده‌ی ما این امر را استثنائی تصور کند، ولی چنین نیست. دولت آلمان در این امر دخیل است و این فرهنگ آدمکشی را ترویج می‌کند و در پی «هلوکاست» دیگری در آلمان هست. زیرا مطابق قوانین آلمان این عمل یک اقدام نژادپرستانه بوده و جرم است. ولی کسی را شما در آلمان پیدا نمی‌کنید که علیه این کلینیک اعلام جرم کرده و جرات کند نام خودش را به پلیس بدهد. آنوقت خودش با نامش حذف می‌شوند. در مطبوعات آلمان نیز در مورد این بربريت محض سخنی نمی‌شنوید زیرا این مطبوعات آزادند که اخبار مورد نظر و دل‌خواه خود را به طور داوطلبانه و دموکراتیک درج کنند و نه اینکه تحت تاثیر «عوامل خارجی» قرار گیرند؟! دادستان عمومی کل آلمان اساساً این ترغیب به جنایت را به روی خودش نمی‌آورد و کر و کور شده است. نظام پزشکی آلمان کوچکترین واکنشی نسبت به این جنایت انجام نمی‌دهد. یعنی نظام پزشکی آلمان از دکتر «ژوزف منگله» (Josef Mengele) - که در زمان هیتلر به آزمایش‌های جنایتکارانه بر روی انسان‌ها اقدام می‌کرد و سپس به آمریکا جنوبی فرار کرد و محل اختفایش برای سازمان جاسوسی آلمان پنهان نبود ولی مورد تعقیب قرار نگرفت، الهام می‌گیرد. جامعه پزشکی به سوگندنامه بقراط باید پایبند باشد. هیچ پزشکی حق ندارد بیماری را به علت ایدئولوژیک، عقاید سیاسی، تعلقات نژادی، رنگ پوست، رنگ چشم، رنگ مو، تعلقات ملی، مذهبی، قومی و... از حق درمان محروم کند. پزشکی که این کار را می‌کند پزشک نیست، جلاد است و هیچ بیماری نمی‌تواند به وی اعتماد کرده و جان خود را در دست این بربرها قرار دهد. شرط پذیرش هیچ بیماری را در بیمارستان نمی‌شود گذر از دالان تفتیش عقاید قرار داد. ولی این تمام فضای مسموم آلمان نیست. اداره پست شهر «کوبلنز» در آلمان روی در ورودی خود تابلویی با این مضمون نصب کرده است: «کسانی که طرفدار پوتین هستند اجازه ورود ندارند». آنها از کجا می‌فهمند که چه کسی هوادار پوتین است؟ آیا هواداری از پوتین در پیشانی ثبت می‌شود؟ و یا اینکه باید ماموری در دم در از ارباب رجوع جویای عقایدشان شود و یا جاسوسانی این خبر را به مسئول خدمات پستی داده باشند تا هواداران پوتین را از این خدمات که حق شهروندی آنها است محروم کند. در این جوامع متمدن «دموکرات» اکنون مغازه‌های روسی را نه تنها تحریم کرده‌اند، بلکه به آنها رنگ می‌پاشند و یا دچار حریق می‌سازند. بعضی



## نکاتی چند پیرامون جنگ اوکرائین

**حمایت از نازیسم دموکراسی نیست، بربريت است**

طی دو هفته‌ای که از آغاز جنگ اوکرائین می‌گذرد، سلطه بیش از حد و در عین حال کم نظیر دروغ، ریا و تزویر بر رسانه‌ها و مطبوعات غرب بیش از هر زمان حاکم گشته و محتوای خبری آنها را در چنگال خود گرفته است. این کارزار کم نظیر و در عین حل پر قدرت، طبیعتاً رسوبات سمی نیز در افکار عمومی به جا گذارده و افکار، گفتار و کردار آنها، به ویژه نیروها و افراد نژادپرست و فاشیست خفته را پرو بال داده، شکل داده و از لانه‌های خود به در آورده است.

بوی متعفن نژادپرستی و سرکوب اقلیت‌ها مشام هر انسان با وجدانی را معذب می‌کند. سم‌پاشی فکری، آلوده کردن فضای زندگی انسان‌ها در قرن بیست و یکم گواه آن است که هیتلرهای کوچک پنهان چگونه به آدولف هیتلر، موسولینی روز بدل می‌گردند. فضای مسموم دهه ۴۰ قرن بیستم و یهودی‌کشی در آلمان مجدداً عرض اندام می‌کند ولی این بار روس‌تباران را شکار کرده و می‌کشند. تو گوئی ۲۷ میلیون قربانیان مردم شوروی توسط نازی‌ها برای غرب جنایتکار بس نبوده است.

ما در زیر خواهیم کوشید به تاثیرات برخی از این کارزارهای مسموم و گسترده اشاره کرده و نشان دهیم که برخورد «دموکراتیک» و «آزادی عقیده» در «دموکراسی‌ها»ی خودفرب غرب تا چه حد با «حقوق بشر» ادعائی آنها همخوانی دارد.

**«آزادی عقیده» در «دموکراسی‌های» غربی.**

کلینیک «لاتروس» در شهر مونیخ آلمان طی اعلامیه‌ای «روسیه و روسیه سفید را به خاطر حمله نظامی به اوکرائین محکوم کرده» و اعلام داشته که «زین پس بیماران روسی و بلاروسی را، تا اطلاع ثانوی نخواهیم پذیرفت. به آنها توصیه می‌کنیم که زحمت رجوع



تولزیون روسیه). این اقدامات چقدر شرم‌انگیز است. این اقدام یادآور روزهای کودتای ننگین ۲۸ مرداد در ایران است. روزهای سخت و مسمومی که کتاب‌ها را آتش می‌زدند، پلیس و نظامیان بی‌سواد باید هر کس را که کتاب جلد سرخی در دست داشت دستگیر می‌کردند، هر کتابی که با پسوند «اوف»، «تف»، «توی»، «فسکی»، «ین» و... ختم می‌شد باید توقیف می‌گشت. جانی برای تولستوی، چخوف، پوشکین، لرمانتوف، لنین، استالین و داستایوفسکی نبود. این فرهنگ فاشیستی در اروپای متمدن، مهد تولد خود را به عرضه توجه گذاشته است.

روزنامه اینترنتی «سایت» (Zeit) در ۹ مارس نوشت که: «صدراعظم سابق آلمان گرهارد شرودر کماکان حاضر به فاصله گرفتن از پوتین و محکوم ساختن وی نیست». این روزنامه اضافه کرد که علیه شرودر، به جرم «ارتکاب جنایت علیه بشریت» به دادستان کل آلمان شکایت شده است. دادستان هانور دریافت چنین شکایتی را در مقابل خبرگزاری (AFP) تأیید کرد. به نوشته روزنامه سایت: «این شکایت تنها علیه شرودر نیست، بلکه به افراد دیگری نیز اشاره شده است». «دموکرات‌های» حزب «دموکرات مسیحیون» آلمان خواستار بستن دفتر این صدراعظم سابق آلمان شده‌اند. حتی رفقای حزبی خودش نیز عکس‌های او را به مثابه یکی از رهبران بلند پایه حزب سوسیال دموکرات آلمان به زیر کشیده‌اند. به این ترتیب روح نامرئی جرج دبلیو بوش انتقامش را از آقای «شرودر» که مخالف تجاوز آمریکا به عراق بود و از خط انتقال لوله گاز «نورد استریم ۲» از روسیه به آلمان دفاع می‌کرد گرفت.

دولت آلمان حتی قبل از آغاز جنگ دریا سالار «کای یواخیم شونباخ» را که در رابطه با پوتین نظر دیگری غیر از این دولت داشت عملاً وادار به استعفا کرد. و این نشانه نفوذ عظیم آمریکا در آلمان و بی‌ارادگی دولت‌مردان این کشور است که زیر سلطه آمریکاست.

روزنامه «وزر کوریر» (Weser Kurier) سوم ماه مارس ۲۰۲۲ نوشت:

«اپرای دولتی باواریا» (Bayerische Staatsoper) خانم «آنا نتربکو» (Anna Netrebko) خواننده معروف اپرا را به علت عدم موضع‌گیری علیه پوتین اخراج کرد. قبل از این اخراج شهر مونیخ رهبر ارکستر آقای «والری گریگیو» (Waleri Gergijew) را نیز به همین دلیل اخراج کرده بود!! شیوه اخراج به این ترتیب بود که از آنها بازجوئی و تفتیش عقاید کردند و وقتی معلوم شد آنها از نازی‌های در قدرت در اوکراین دفاع نمی‌کنند آنها را که هنرمند هستند و ظاهراً نباید هنر با سیاست ربطی داشته باشد با کمال وقاحت اخراج کردند. صدای آمریکا (VOA) گزارش کرد که «کمیته بین‌المللی پارالمپیک (معلولین) حضور ورزشکاران روسیه و بلاروس در مسابقات پارالمپیک ۲۰۲۲ پکن را ممنوع کرد». یک انسان با

از مغازه‌دارها به افراد روس تبار جنس نمی‌فروشد. آیا این افراد که خود را انسان دوست جا می‌زنند انسان دوست هستند و یا نژادپرست؟ کسی که فقط اوکرائینی را دوست داشته باشد و از سایر ملیت‌ها نفرت داشته باشد انسان دوست نیست، بربرمنش است. و این فرهنگ در آلمان دامن زده می‌شود. تمام دولت‌مردان، سیاست‌مداران و مطبوعات و رسانه‌ها که در این موارد سکوت کرده و یا به آن دامن می‌زنند هیتلرهای خفته‌ای بوده‌اند که اکنون با نیت تلافی‌جوئی سر از قبور تاریخ بدر آورده‌اند. آنها دموکرات نیستند بربرمنش‌اند.

روزنامه «تاگس اسپیگل» (Tages Spiegel) چاپ برلن روز شنبه ۱۲ ماه مارس نوشت:

«روز جمعه (۱۱ مارس) مدرسه بین‌المللی - آلمانی - روسی «لومونوسو» (Lomonossow) در منطقه مارتسان شهر برلن در اثر حمله افراد ناشناس مورد آتش سوزی قرار گرفت. این تنها یکی از موارد حمله به افراد و موسسات روسی از آغاز جنگ اوکراین به شمار می‌رود. ۱۰۰

از آغاز حمله نظامی روسیه به اوکراین که قریب به دو هفته است از آن می‌گذرد، پلیس برلن - تاکنون (۱۱ مارس) ۱۰۰ مورد از چنین وقایعی را ثبت کرده است. از جمله ساختمان‌های شهروندهای روسی، انجمن‌های روسی، موسسات رسانه‌ای روسی، کارمندان سفارت روسیه در برلن و نیز شهروندان روسی مورد حمله قرار گرفتند. ضرب و شتم، فحاشی، تهدید و توهین و صدمه به اموال و ساختمان‌های متعلق به روس‌ها در دستور کار مهاجمین بوده است.

حتی کودکان در صحن مدرسه مورد حمله و اهانت قرار می‌گیرند. روز ۸ مارس به «خانه روسیه» که یک موسسه فرهنگی است و در مرکز شهر برلن قرار دارد رنگ پاشیده‌اند. البته در مواردی هم تنفر و خشم نسبت به پناهندگان اوکرائینی مشاهده شده است. البته این عبارت آخر برای خالی نبودن عریضه درج شده است. البته این روزنامه نوشت که متجاوزین و مرتکبین چنین جرائمی از خانواده نژادپرستان و فاشیست‌های آلمانی و چه بسا اوکرائینی بودند. این فاشیست‌ها که به مدرسه کودکان روسی حمله‌ور شده‌اند همان کسانی هستند که هشت سال است بر سر کودکان دونباس و دونتسک در اوکراین بمب می‌ریزند و به پاک‌سازی قومی مشغولند. آنها کشتار کودکان روسی را عین خدمت به بشریت جا می‌زنند. شگفت‌انگیز است که این همه نفرت و زشتی از کدام منبع سرچشمه گرفته و تقویت می‌شود.

آش آنقدر شور است که صدای «اردوغان» رئیس‌جمهور ترکیه هم در اعتراض به این اقدامات فاشیستی در آمده است. او که در یک مراسم دیپلماتیک در شهر آنتالیای ترکیه شرکت کرده بود، اقدامات فاشیستی علیه شهروندان روسی که در کشورهای غربی ساکنند را غیرقابل قبول خواند. او همچنین اخراج رهبر روسی تبار ارکستر فیلارمونی مونیخ و نیز ممنوع ساختن آثار داستایوفسکی را اعمالی غیرعادی خواند. (نقل از کانال اول

وجدان حتی از خواندن این سطور احساس شرم می‌کند.

گربه‌های روسی نیز مورد طعن و لعن اروپائی‌ها قرار گرفته‌اند. معامله این گربه‌ها ممنوع است. این حضرات حاضرند گربه‌های روسی را خام‌خام ببلعند. و نام این توحش و بربریت بی‌نظیر را انسان‌دوستی و همدردی با مردم اوکراین جا می‌زنند. فرمان قتل عام ملتی نمی‌تواند نشانه علاقه به ملت دیگر باشد.

تصمیم فوق که بدون تردید در اثر فشار کشورهای عضو ناتو و در راس آنها آمریکا اتخاذ شده است، ظلم بزرگی نسبت به ورزشکاران معلول کشورهای روسیه و بلاروس محسوب می‌شود. مضحک اینجاست که کمیته مذکور با ریاکاری از خود سلب مسئولیت کرده «با تاکید بر باور این کمیته مبنی بر عدم ادغام ورزش و سیاست، این ورزشکاران را قربانی اقدامات دولت هایشان خواند».!!! به راستی که دروغ و ریا و تزویر از جمله فوق می‌بارد.

آنها کمر بند سیاه پوتین را در ورزش جودو از وی پس گرفتند و وی را از ریاست افتخاری کمیته بین‌المللی جودو بیرون کردند. این یادآور جودوکاران خودفروخته ایرانی است که معترض بودند چرا ورزش در سیاست دخالت داده می‌شود و آنها حق ندارند با یکی دو عدد ورزشکاران کشور متجاوز، اشغالگر و نژادپرست اسرائیل که ایران کشور آنها را اساساً به رسمیت نمی‌شناسد مصاف دهند. حال آنها حق ندارند به مصاف صدها ورزشکاران نام‌آور روسیه بروند و گر نه از حق شرکت در مسابقات ورزشی محروم می‌شوند. معلوم نیست چرا سر و صدای آنها و حامیان خود فروخته‌شان در نمی‌آید.

### بر خورد به پناهندگان، مظهر نژادپرستی است

#### پناهندگان چشم آبی:

خبرنگار ارشد خارجی CBS آقای «دبلیو چارلی داگان» گفت: «اوکراین مانند عراق و افغانستان نیست، این یک کشور متمدن است و نسبتاً (!) اروپائی است». (چرا نسبتاً؟ مگر قرار است در آینده زیرش زده شود؟ - توفان).

معاون سابق دادستان کل اوکراین در مصاحبه‌ای با بی. بی. سی. (BBC) گفت: «این برای من بسیار احساسی است وقتی می‌بینم مردم اروپا با چشمان آبی و موهای بور هر روز کشته می‌شوند! و مجری بی. بی. سی. در جواب با قاطعیت می‌گوید: «من احساس شما را درک می‌کنم و به آن احترام می‌گذارم».

در تلویزیون BFM فرانسه، یک روزنامه‌نگار به نام «فلیپ کوربه» در رابطه با اوکراین گفت: «ما در اینجا از سوری‌ها صحبت نمی‌کنیم، ما در مورد اروپائی‌هایی صحبت می‌کنیم که با ماشین‌هایی که شبیه ماشین‌های ما هستند و وطنشان را ترک می‌کنند». (توجه کنید شیفتگان دنیای غرب! نه تنها آدم‌ها که ماشین‌هایشان نیز شبیه ماشین‌های ما هستند! - توفان).

این نازی‌های با نقاب حتی مردم غیراروپائی را هم‌تراز و هم‌ارزش

اتومبیل‌های خود هم نمی‌دانند. این شامل عراقی و افغانستانی، کُرد و سوری‌های نیست، شامل آن ایرانی‌ها نیز هست که نوکران فریب‌خورده غرب هستند و چشم خود را بر واقعیات بسته‌اند. وقتی یک انسان این مطالب را می‌خواند عرق سرد بر بدنش می‌نشیند.

خبرنگار (HTV) از لهستان گزارش داد: «... این کشور جهان سومی در حال توسعه نیست، اینجا اروپاست (!) گویا جنگ می‌بایست تنها علیه جهان سومی‌ها صورت گیرد». (توفان) و ما اضافه می‌کنیم اینجا لیبی، عراق، افغانستان، سوریه و یمن نیست. جان مردم یمن چه ارزشی دارد وقتی به سگ اوکراینی حق پناهندگی سیاسی می‌دهند. یک خبرنگار «الجزیره» می‌گوید: «این‌ها پناهندگانی که به دنبال فرار از خاورمیانه و یا شمال آفریقا باشند، نیستند، بلکه، آنها شبیه هر کدام از ما هستند، برابرند با خانواده‌ی اروپائی ساکن همسایه».

و به همین جهت پناهندگان آفریقائی، ایرانی، دنیای سومی را که در اوکراین کار و یا تحصیل می‌کردند، با چماق پلیس از قطارهای مسافری پیاده کردند و حاضر نشدند تقاضای خروج آنها را از منطقه جنگی بپذیرند. دنیای سومی باید بمباران شود و بمیرد و نباید در قطار جای اوکراینی موبلوند و چشم آبی را بگیرد.

صدراعظم اتریش از حزب سبزها که پناهجویان خاورمیانه و شمال آفریقا را اخراج می‌کرد، امروز با این استدلال که اوکراینی‌ها اروپائی هستند به آنها پناه می‌دهد.

«دانیل هانان» در «دیلی تلگراف» نوشت: «آنها خیلی شبیه ما هستند. این چیزی است که موضوع را بسیار تکان دهنده می‌کند (!) اوکراینی یک کشور اروپائی است، مردم آن «نت فلیکس» تماشا می‌کنند و حساب «اینستگرام» دارند و روزنامه‌های بدون سانسور می‌خوانند. (!!!). آیا توصیف این دروغگویان، تکیه بر ردیالنه‌ترین، پست‌ترین غریزه‌های حیوانی درون بشر برای توجیه جنایاتشان با حقیقت همراه است؟ آیا با واقعیت تاریخ اخیر اوکراین همخوانی دارد؟ بهیچوجه! در کشور فاشیستی اوکراین احزاب کمونیست و چپ نه تنها ممنوع که اجازه هیچ‌گونه ابراز وجود از خود را ندارند، تا چه رسد به انتشار روزنامه‌ی آزاد. آیا «روزنامه بدون سانسور» در کشوری که تکلم به زبان روسی - زبانی که زمانی زبان رسمی این کشور بود - ممنوع است، قابل تصور است؟ دروغ و ریا و تزویر تا به کی و تا به کجا؟ این خبرنگار در خاتمه می‌گوید: «این جنگ دیگر چیزی نیست که برای مردم فقیر دور افتاده باشد». (!) وی راست می‌گوید این دیگر جنگ پنهان نیست جنگ عریان مثنی سگ‌های نژادپرست استعمارگر است که بوی گوشت و خون آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا به مشامشان رسیده است. دنیا را باید مجدداً تقسیم کرد.

آری، جنگ‌های خاورمیانه و آفریقای شمالی به اندازه کافی از آنها دور بوده‌اند که با آرامش خاطر در مورد جنایاتی که غرب در آنها مرتکب شده و می‌شود سکوت اختیار کنند. آری، جهانیان فراموش

اودسا آتش زد؟ هم اکنون دو برادر جوان کمونیست به نام‌های «میخائیل» و «الکساندر» «گونونویچ» از فعالان «اتحادیه جوانان کمونیست اوکراین» دستگیر و خطر اعدام جان آنها را تهدید می‌کند. ما اعتراضی از آقای زیدآبادی و دوستان مصلح غرب ایشان نمی‌شنویم.

طبق خبر (WFBY) «فدراسیون جهانی جوانان دموکرات» این دو برادر به جرم «عوامل روسیه و ناامن کردن اوکراین» دستگیر شده‌اند. اما واقعیت این است که برادران «گونونویچ» به علت شرکت در تظاهرات مقابل سفارت آمریکا و طرح شعار: «به توسعه‌طلبی خود از طریق گسترش ناتو پایان دهید» دستگیر شدند.

طبق قانون «کمونیسم» نه تنها حزب کمونیست غیر قانونی است، بلکه استفاده از هرگونه نام و یا نماد کمونیستی در ملاء عام ممنوع شناخته می‌شود. حتی بناهای یاد بود جنگ شوروی سوسیالیستی با نازی‌ها را تخریب و آموزش مثبت در مورد جنگ شوروی با فاشیسم هیتلری را در مدارس ممنوع کرده‌اند. تکلم به زبان روسی تحت «دموکراسی محبوب» ممنوع است، متخلفین دستگیر و محاکمه می‌شوند. حزب کمونیست اوکراین از بعد از کودتا، از گسترش سیاست ملی‌گرایانه دولت اوکراین در شرق این کشور و قدرت‌یابی رو به تزاید عناصر مسلح فاشیست خبر داد. دولت ملی‌گرای «مبتنی بر دموکراسی» از ۲۰۱۴ تاکنون قریب به ۱۶۰۰۰ شهروند روسی تبار دنباس را به قتل رسانده است. برادران «گونونویچ» هنگام نهادن گل در بنای یادبود سربازان ارتش سرخ از طرف فاشیست‌ها مورد ضرب و شتم قرار گرفته و مجروح شده بودند. یکی دیگر از شرکت کنندگان در مراسم در اثر تهاجم فاشیست‌ها بینائی خود را از دست داد. فاشیست‌ها کارکنان بیمارستان را تحت فشار قرار دادند تا از مداوای مجروحین حادثه خودداری کنند. این است دنیای شومی که اصلاح‌طلبان حامی روحانی و خانواده مافیائی رفسنجانی برای جهان ترسیم می‌کنند. بی‌موها، نابینایان و بی‌مغزها نباید از مامورین تشخیص نژاد در اروپا بترسند. ولی این ثناگویان ایرانی فاشیسم غرب، نباید فراموش نکنند که یهودیان را از موی بلوند و چشم زاغ نمی‌شناختند به عورتشان نگاه می‌کردند که همه ختنه شده بودند. هم اکنون به تمام امکانات تبلیغاتی حزب ما با هدف خفه کردن و سانسور حمله شده است. ممکن است دموکراسی غرب ما را هم حذف کند و صدای ما را خفه کند ولی ایده ما را نمی‌تواند نابود کند. آن کس که باد کاشت باید توفان درو کند.

نکرده‌اند که آوارگان محصول جنگ‌ها علیه «مردم فقیر دورافتاده» که از بیکاری و بی‌سرنه‌ی کماکان برای نجات جان خویش به سوی کشورهای غنی روانند و این کشورهای غنی یا آنها را در آب‌های اقیانوس‌ها و دریاها غرق می‌کنند و یا در جنگل‌های میان بلاروس و لهستان با کمک همه‌جانبه اعضای ناتو منجمد ساخته و می‌سازند. اما امروز از پناهجویان اوکرائینی حتی بدون گذرنامه و ورقه هویت و بدون معرفی به اداره مهاجرت، با فرش قرمز استقبال می‌شود. اعمال چنین تبعیض بارزی در برخورد به پناهجویان نشانه و مظهر نژادپرستی است که در رفتار و کردار غرب نهفته است.

ناگفته نماند که این نژادپرستان حتی به اروپائی‌ها هم رحم نمی‌کنند زیرا نژادپرستی ریشه طبقاتی دارد. آنها کشور یوگسلاوی را با «پیمان ناتو» که پیمانی جنگ‌افروز و تجاوزکار است به خاک و خون کشیدند و با گلوله‌های اورانیوم رقیق شده تفاله‌های اتمی آمریکا را زدودند. پس اروپای موبلوند و چشم آبی نیز از دست این نژادپرستان در امان نیست. اروپای موبلوند و چشم آبی در ایتالیا، اسپانیا، پرتغال، مالت سکنی ندارد، فقط در شمال اروپاست.

### دموکراسی و آزادی در اوکراین

روشنفکر غرب گرائی به نام احمد زیدآبادی در «اعتماد اون لاین» در تحلیل از نظام حاکم بر اوکراین و نیز حمله اخیر روسیه به این کشور به این نتیجه می‌رسد که: «نظام‌های مبتنی بر دموکراسی در چشم جهانیان چنان محبوب می‌شوند که در صورت تجاوز قدرت‌های بیگانه، همدلی و همدردی پر شور نثار آنان می‌شود.» (!!)

حال به بنییم که در این کشور «محبوب در چشم جهانیان» (که البته به همت قدرت غول رسانه‌های انحصاری غرب، محبوب گشته) تا چه اندازه دموکراسی و آزادی برقرار است.

کیست که نداند حکومت نیمه فاشیستی زلتسکی - با شرکت یک معاون رئیس جمهور و ۳ وزیر فاشیست - دنبالجه همان کودتای مخملی ۲۰۱۴ است که رئیس جمهور مشروع این کشور آقای «یانوکویچ» را به کمک فاشیست‌ها و نیم میلیارد دلار پول سازمان سیا و اسلحه غرب و وارد کردن تروریست و تک تیرانداز و حتی سیاهی لشکر وارداتی از بالتیک، آلمان و لهستان سرنگون کرده و نوکران غرب را بر مسند قدرت نشاند کیست که نداند فاشیست‌های اوکراین به نام گروه ضربت «آزوف» با لباس‌های جنگی، مسلحانه به اولین پارلمان دموکرات و منتخب مردم، بعد از کودتای مخملی «مایدان» حمله کردند و نمایندگان سه میلیون کمونیست اوکرائینی را به زور اسلحه بیرون انداختند و از همان زمان دولت «دموکراتیک» اوکراین نیز حزب کمونیست این کشور را با یک اطلاعیه ۲۸ مردادی ممنوع و با تکیه بر «دموکراسی» غرب ۳ میلیون کمونیست اوکرائینی را از داشتن نماینده در پارلمان محروم ساخت و اعضای آن را تحت تعقیب قرار داد و کارگران را در خانه کارگر در بندر

**باید بشریت یک صدا بگوید صلح در اروپا تنها با انحلال پیمان**

**تجاوزگر ناتو مقدور است.\***



## اطلاعیه سندیکاهای کارگری سوئد در آستانه سال نو: حقوق سندیکایی حقوق بشر است!

در سال نو در ایران نصیب کارگر و معلم فقر و زندان!

میان مردم آگاه بر خوردار بوده است. بطور نمونه شهر رودسر در اعتراض به دادگاهی کردن معلم مبارز و محبوب این شهر عزیز قاسم زاده شاهد اعتراضات وسیعی بود. کارگران خواهان حق ایجاد تشکل های آزاد و مستقل و حق تصمیم گیری برای تعیین دستمزدها و امنیت شغلی هستند. بازنشستگان خواهان انطباق سطح زندگی بر اساس سطح تورم و حق تصمیم گیری در مورد چگونگی استفاده از منابع مالی صندوق بازنشستگی هستند.

در ایران کسانی که برای ابتدایی ترین و برسمیت شناخته شده ترین خواسته های انسانی و بین المللی مبارزه میکنند دستگیر شده و به اتهام « توطئه جهت بر هم زدن امنیت ملی » متهم شده، در بازجویی ها مورد شکنجه قرار گرفته و به زندانهای طویل المدت محکوم میشوند.

به منظور قدردانی و همبستگی با مبارزات معلمان در ایران پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد روزهایی را بنام معلمان ایران اختصاص داده و به این مناسبت برنامه ویژه ای با شرکت نمایندگان مختلف اتحادیه های کارگری تدارک دیده است که اطلاعات بیشتر در این مورد متعاقباً اعلام خواهد شد. ما در همکاری نزدیک با گزارشگر ویژه سازمان ملل در رابطه با ایران موقعیت اضطراری و خطرناک معلمان و فعالین کارگری در زندان های رژیم را دنبال کرده و برای آزادی این عزیزان از هیچ کوششی دریغ نخواهیم ورزید.

درخواست پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد- ایران: آزادی فوری همه فعالین کارگری معلمان زندانی و لغو کلیه اتهامات علیه آنان

تصویب و اجرای مقابله نامه های حقوق بشر سازمان ملل، مقابله نامه ۲۳ و مقابله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار سازمانهای کارگری سندیکایی و نمایندگان منتخب و اعضای آنها بدون ترس از خشونت، تهدید زندان و اخراج از کار اجازه فعالیت داشته باشند. \*

اتحادیه های کارگری سوئد که در پلاتفرم سندیکایی همکاری می کنند فعالانه و وضعیت معلمان، بازنشستگان، پرستاران و کارگران در ایران را پیگیری کرده اند. پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد/ ایران در ۱۹ مارس ۲۰۲۲ متن زیر را در حمایت از کارگران ایران انتشار داده است:

شرایط معیشتی برای مردم همچنان و بشدت وخیم است. سیستم تعیین حداقل دستمزد کارایی ندارد و نمایندگان مستقل و آزاد سندیکایی کارگری اجازه دخالت در آن را ندارند. با وجود افزایش ۵۷.۴ درصد حداقل دستمزد برای سال ۱۴۰۱ اما سطح تعیین شده هنوز یک سوم خط فقر است.

این مسئله در بدتر شدن شرایط کار معلمان و دستمزدهای ناچیز آنان نیز نقش داشته که خود موجب کاهش امکان دسترسی دانش آموزان به آموزش مناسب نیز شده است. در سال گذشته معلمان ایران با تشکل یابی بی نظیر در کانون های صنفی معلمان در اقصی نقاط ایران، با سازماندهی گسترده و سراسری تحت رهبری «شورای هماهنگی کانون های صنفی معلمان ایران» فصل نوینی در تاریخ تشکل یابی در ایران رقم زدند. اعتراضات و تجمعات همزمان و مداوم تقریباً در تمام شهرهای ایران و دفاع مصمم از خواسته های بر حق معلمان و دانش آموزان از طرف رژیم جمهوری اسلامی ایران با سرکوب و دستگیری دهها نفر از معلمان معترض مواجه شده است.

مبارزات معلمان ایران در سال گذشته از حمایت وسیعی در



درآمد اوکراین از این راه، سالانه حدود ۲ میلیارد دلار است.  
**هفتم:** آلمان از نورد استریم ۲ حمایت می‌کند، چون قرار است این پروژه، سالانه ۵۵ میلیارد متر مکعب گاز به آلمان بفرستد.

**هشتم:** دولت ترامپ خیلی تلاش کرد که اروپا را قانع کند تا به جای روسیه از آمریکا گاز بخرد؛ اما بیشتر کشورهای اروپایی گاز ارزان تر روسیه را ترجیح دادند.

آمریکایی‌ها بعد از اینکه متوجه شدند، نمی‌توانند اروپایی‌ها را قانع کنند، این خط لوله و شرکت‌های پیمانکار را تحریم کردند.  
**نهم:** از ابتدای جنگ اوکراین، نخستین موضوعی که مطرح شد، توقف این طرح بود. حالا در نهایت دولت آلمان این طرح را متوقف کرده و به تحریم‌ها علیه روسیه پیوست.

**دهم:** از ابتدای شروع بحران اوکراین، آمریکا صادرات گاز مایع به اروپا را افزایش داده و در ابتدای سال ۲۰۲۲ برای اولین بار در تاریخ، به بزرگ‌ترین صادرکننده‌ی گاز مایع در جهان تبدیل شده. در عین حال قیمت گاز و دیگر حامل‌های انرژی در اروپا افزایش یافته.

**یازدهم:** از سوی دیگر، سهام شرکت‌های اسلحه‌سازی آمریکایی در چند روز اخیر به شکل سرسام آوری رشد کرده. ترس کاشته شده در دل اروپایی‌ها، آن‌ها را به مشتریان سراسیمه‌ی سلاح تبدیل کرده. ناتو هم خریدهای خود را افزایش داده.

**دوازدهم:** امپریالیسم آمریکا کوچکترین تمایلی برای فروکش کردن جنگ ندارد و مشغول گرفتن ماهی از آبی است که خودش گل آلودش کرد تا با تضعیف روسیه و اروپا هژمونی دلارش را با پشتوانه مجتمع نظامی و نفت تثبیت کند. برای صلح و آرامش باید سر این هیولای هشت را قطع کرد. آمریکا امروز همان نقشی را بازی می‌کند که آلمان نازی در سال‌های ۳۰ میلادی بازی کرد.

**چهاردهم:** آمریکا تروریست‌ها را از سوریه به اوکراین منتقل می‌کند. کانال تلویزیونی زویوزدا متعلق به وزارت دفاع روسیه اعلام کرد که آمریکا درصدد انتقال هزاران تروریست از سوریه به اوکراین است و برای این منظور برنامه‌ریزی کرده است.

**پانزدهم:** خلق اوکراین قربانی توطئه ناتوست، برای صلح و آرامش و حسن همجواری ملل باید برای انحلال ناتو این مخوف ترین سازمان جنگ افروز نظامی و آمریکا عمده ترین دشمن بشریت بسیج شد. برای حفظ صلح و تامین امنیت در جهان کنونی، تنها راه حل این است که همه کشورها به سمت تشکیل جهان چند قطبی حرکت کنند. روسیه مشخصا مسیر شرق را برای توسعه و پیشرفت انتخاب کرده است، از این رو غرب در آینده نزدیک دیگر توان تحمیل مواضع خود را بر شرق نخواهد داشت.

اکنون صلح با خلع سلاح نازیسم و اعلام عدم عضویت اوکراین در ناتو میسر است. برای صلح بکوشیم!\*



## نکات مهمی در مورد علل بحران اوکراین

۱۴ اسفند ۱۴۰۰ خورشیدی ۵ مارس ۲۰۲۲ میلادی

جنگ کنونی ادامه کدام سیاست است؟ نقش آمریکا در جنگ اوکراین برای اعمال هژمونی بر اروپا و جهان چگونه است؟

**یکم:** دخالت‌های آمریکا در اوکراین، به عنوان سر کرده غرب از همان ابتدای فروپاشی «شوروی» شروع شد و با کودتای سیاسی ۲۰۱۴ به اوج رسید.

**دوم:** در ۸ سال گذشته، آمریکا نه تنها به لحاظ سیاسی، بلکه در حوزه‌های اقتصادی، نظامی و امنیتی هم به شدت اوکراین را به خودش وابسته کرده است.

**سوم:** آمریکا با حضور فعال بیخ گوش روسیه، سعی کرده و می‌کند ارتباط اقتصادی روسیه با اروپای غربی، به ویژه در حوزه‌ی انرژی را قطع کند.

**چهارم:** روسیه اصلی ترین تأمین کننده‌ی گاز اروپا هست. آمریکا از ابتدای طرح خط لوله‌ی گازی نورد استریم ۲ شروع به کار شکنی و تهدید کرده و با انواع فشارها و تحریم‌ها سعی کرده، مانع از اجرای این طرح بشود.

**پنجم:** نورد استریم ۲، خط لوله‌ی ۱۲۰۰ کیلومتری است که گاز طبیعی روسیه را از غرب این کشور به شمال شرق آلمان منتقل می‌کند. این پروژه ۱۱ میلیارد دلاری، ظرفیت صادرات گاز روسیه را دو برابر می‌کند. به همین دلیل روسیه تمام تلاش خود را کرده که این خط لوله اجرایی شود.

**ششم:** خطوط نورد استریم، اوکراین و لهستان را دور می‌زند. این دو کشور، مخالف نورد استریم هستند؛ چون در حال حاضر بابت عبور خط لوله قدیمی گاز روسیه از داخل کشورشان، درآمد دارند.



## برآمدن نئونازی‌ها و نئوفاشیست‌ها در اوکراین

«کارل مارکس» در کتاب ارزشمند خود تحت عنوان «هیچ‌دهم برومر لوئی بناپارت»، کودتای دوم دسامبر سال ۱۸۵۱ «لوئی بناپارت»، ملقب به «ناپلئون سوم» را با تیزبینی و دید عمیق خود، توضیح و شرح می‌دهد. در جایی از کتابش می‌نویسد: «هنگل اظهار می‌کند که تمام رویدادهای بزرگ و شخصیت‌های تاریخی دوبار ظاهر می‌شوند. او فراموش می‌کند که اضافه کند؛ بار اول به صورت تراژدی و بار دوم به صورت نمایش کمدی».

از جمله رویدادهای تاریخی جهان، پیدایش «فاشیسم» در ایتالیا در اوایل سال ۱۹۲۲ به رهبری «موسولینی» و فاشیسم در آلمان در سال ۱۹۳۳ با نام ناسیونال سوسیالیسم (نازیسم) به پیشوایی «آدولف هیتلر» بود. ظهور فاشیسم در ایتالیا و آلمان تراژدی و فاجعه عظیمی بود که با برجا گذاشتن بیش از ۸۰ میلیون نفر کشته چه در اثر جنگ و چه در اثر گرسنگی و بیماری، مرگبارترین درگیری نظامی در طول تاریخ بشریت بوده است. این رویداد چنانچه گفته شد به راستی تراژدی، مصیبت و بدبختی بزرگی بود

می‌دانیم که فاشیسم از نظر اجتماعی محصول بحران‌های حاد اقتصادی و اجتماعی است. این را هم می‌دانیم که ایدئولوژی سرمایه‌های انحصاری و مالی و بانکی (امپریالیسم)، از تفکر «لیبرالیسم» دوران سرمایه‌داری رقابتی گذر کرده و وارد ایدئولوژی «نئولیبرالیسم»، به سخن درست‌تر، وارد فاز قلدری و

زورگویی شده است که خود جلوه‌ای از «فاشیسم» می‌باشد! در این مرحله سرمایه‌های انحصاری غرب علی‌الخصوص آمریکا، برای فرافکنی و برون‌رفت از بحران‌های عمیق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نژادی و شکاف‌های درون حاکمیتی، ناشی از بحران مالی سال ۲۰۰۸، شکست در افغانستان، در سوریه، قدرت‌گیری روسیه و عقب‌ماندن از اقتصاد جهانی چین، چاره کار را در ایجاد بحران در برون‌مرزها، گسترش «ناتو» و جنگ افروزی جهت «تضعیف» رقیب می‌بیند! برای این منظور در سال ۲۰۱۴ و با هزینه ۵ میلیارد دلار دست به کودتا در اوکراین می‌زند و نئونازی‌ها و نئوفاشیست‌های اوکراینی، این افعی‌های زخم‌خورده از ارتش سرخ شوروی به رهبری استالین کبیر را، به قدرت می‌رساند، بلکه از کینه نئونازی‌ها، در اثر شکست از خلق قهرمان شوروی در جنگ جهانی دوم، روسیه، بعداً چین و ایران را تجزیه نماید!

برآمدن دوباره فاشیست‌ها در اوکراین، لهستان و بعضی کشورهای درب و داغان شرق اروپا، که فاقد پایگاه اجتماعی در بین مردم خود هستند، همان واقعه «بار دوم» گفته «مارکس» است که با درایت و نبوغ خود آن را مسخره و کمدی نمایش نام نهاده است.\*

**سرتگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری  
اسلامی به دست مردم**

غیرمتعهد بیش‌تری نیاز است، تا سیاست خارجی مستقلی را برای امنیت مشترک و کاهش تسلیحات دنبال کنند.

**سوم:** ما می‌خواهیم کشورهایمان به کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد منع سلاح‌های هسته‌ای پیوندند. عضویت در یک ائتلاف نظامی، که برای جنگ با سلاح‌های هسته‌ای آماده می‌شود، در جهت خلاف جریان است و خطر استفاده از سلاح‌های هسته‌ای علیه کشورهای ما یا مناطق همسایه ما را افزایش می‌دهد. طبق ماده ۵ منشور ناتو، در صورت حمله به هر کشور عضو دیگری، عضویت ما را مجبور به مشارکت نظامی می‌کند.

**چهارم:** در دهه‌های اخیر، ناتو با نقض منشور سازمان ملل متحد در مورد منع خشونت، که مهم‌ترین محافظت برای کشورهای کوچک در برابر خودسری قدرت‌های بزرگ است، جنگ‌هایی را آغاز کرده است. بمباران یوگسلاوی در سال ۱۹۹۹ و بمباران لیبی در سال ۲۰۱۱ برای بیرون راندن رهبران این کشور از قدرت نمونه‌هایی از این دست هستند. ما همچنین معتقدیم که مشارکت سوئد و فنلاند در جنگ افغانستان یک فاجعه قابل پیش‌بینی بود، چیزی که باید از تکرار آن پرهیز نمود. ما می‌خواهیم کشورهایمان خارج از جنگ ناتو باشند.

**پنجم:** جنگ و تسلیح مجدد برای آب و هوا و محیط زیست بسیار زیانبار است و منجر به بحران پناهندگی می‌شود. با دور ماندن از ناتو، کشورهای ما می‌توانند بهتر به ممانعت از خطر سقوط زیست‌محیطی کمک کنند و در عین حال آزادی بیش‌تری را برای استفاده از منابع خود برای ایجاد صلح، سلامت عمومی و رفاه همه مردم حفظ نمایند. **ششم:** ما از سوئد و فنلاند می‌خواهیم که به طور هدفمند اقدامات اعتمادسازی را اتخاذ نمایند که تنش بین قدرت‌های بزرگ را در مناطق نزدیک ما کاهش می‌دهد. منظور ما از چنین اقداماتی، گزارش بی‌طرفانه از دیدگاه‌های همه طرف‌ها و خودداری از نگاه دشمنانه و همچنین اقداماتی برای کاهش خطر، مانند پیشنهاد فنلاند مبنی بر اینکه هوایماهای نظامی باید از فرستنده‌ها استفاده کنند.

**هفتم:** توافق سوئد و فنلاند به عنوان کشور میزبان ناتو، با سیاست بی‌طرفی کشورهای ما در تضاد است. ما می‌خواهیم توافقات میزبانی برای ناتو لغو گردد و در عوض برای روابط صلح‌آمیز و سازنده با همسایگان خود و سایر کشورها تلاش کنیم. این می‌تواند در ارتباط با یک توافق بزرگ در مورد محدودیت و توافقات در مورد کاهش تسلیحاتی با کمک کنفرانس جدید هلسینکی در مورد امنیت اروپا صورت گیرد.

**هشتم:** تبدیل ناتو از یک پیمان دفاعی به یک اتحاد فراملی و گلوبال با منافع جهانی با شرکای خود در تمام قاره‌ها، منجر به افزایش تنش در میان خود و با بقیه جهان می‌گردد. کشورهای ما، اگر با حفظ بی‌طرفی و پرهیز از پیمان‌های نظامی می‌توانند برای امنیت جمعی گام بردارند و به همین ترتیب از نقض قوانین بین‌المللی در هر کجا که رخ دهد، فاصله بگیرند و برای آرامش و امنیت مشترک بهتر کار کنند.

**نهم:** عضویت در ناتو منجر به تقویت بیش‌تر نفوذ ناتو در منطقه شمال اروپا خواهد شد. ما نمی‌خواهیم به یکجانبه‌نگری که از طرف اندیشکده‌های وابسته به ناتو در مورد وضعیت سیاسی و نظامی ترسیم می‌شود، تن دهیم. ما همچنین مخالف آن هستیم که منتقدین به ناتو و تنش‌زدایی، خلع سلاح، بی‌طرفی و صلح به عوامل روسیه نسبت داده شوند.

**دهم:** ما با خطرات فروپاشی زیست‌محیطی و جنگ هسته‌ای روبرو هستیم. وقت آن است که بیدار شویم و تمام تلاش خود را برای بقای بشریت انجام دهیم.\*



## نامه سرگشاده بیش از هزار نفر از مخالفین سرشناس سوئدی و فنلاندی علیه عضویت این دو کشور در سازمان نظامی ناتو

«فنلاند و سوئد باید از عضویت در ناتو پرهیز کنند و سیاست صلح‌طلبانه‌ای را در دستور کار خود قرار دهند»

ماگدالا اندرسون و سانا مارین، نخست‌وزیران سوئد و فنلاند

نامه سرگشاده‌ای را که ملاحظه می‌فرمائید از سوی بسیاری از شخصیت‌های سرشناس سوئدی و فنلاندی به زبان‌های انگلیسی و سوئدی و چند زبان دیگر منتشر شده و از دولت‌های این دو کشور خواسته شد تا از تقاضای عضویت به ناتو پرهیز نمایند. «اتولی نیستو»، رئیس‌جمهور فنلاند، اخیراً در مصاحبه با «فایننشال تایمز» پیشنهاد کرد که همکاری دفاعی عمیق‌تر با آمریکا و سوئد ممکن است؛ جایگزینی برای پیوستن به ناتو باشد. نخست‌وزیر سوئد هم با چنین استدلالی از تقاضای عضویت در ناتو در شرایط کنونی اجتناب کرده است.

در جریان تنش روسیه و اوکراین، بحث عضویت در ناتو دوباره در کشورهای اروپایی بالا گرفته است. نظرسنجی‌ها در فنلاند و سوئد حاکی از یک تغییر تاریخی در مواجهه با این موضوع است. از نظر تاریخی، سوئد و فنلاند هر دو غیرمتعهد بوده‌اند، اما هر چه بیش‌تر به ائتلاف ناتو نزدیک‌تر شده‌اند. آن‌ها به طور منظم در رزمایش‌ها و عملیات برون‌مرزی این ائتلاف مشارکت می‌کنند. فعالین حزب کار ایران (توفان) در سوئد به خاطر اهمیت این موضوع و تنش‌هایی که اخیراً میان فنلاند و سوئد با روسیه بروز کرده و هشدارهای پی‌درپی روسیه به این دو کشور به ترجمه این نامه مبادرت کرده و برای نشریه ارسال کرده‌اند. به خاطر حجم طولانی امضاها از انتشار آن پرهیز کرده‌ایم.

هیت تحریریه

\*\*\*

**یکم:** مهم‌ترین وظیفه سیاست خارجی و دفاعی، کاهش تهدیدات علیه کشور خود به گونه‌ای است که از طریق دیپلماسی و همکاری در شرایط برابر و ایجاد امنیت برای همه کشورها صورت گیرد.

**دوم:** ما نمی‌خواهیم در جهت تقویت تقسیم‌بندی جهان به بلوک‌های متخاصم نظامی کمک کنیم. در حالی که اکنون به کشورهای



## چند یاد داشت کوتاه سیاسی



۲۹ اسفند روز ملی شدن صنعت نفت ایران گرامی باد

### برگی از تاریخ

۱۲۹ اسفند؛ روز ملی شدن صنعت نفت است

پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت ایران در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ در مجلس شورای ملی تصویب و به قانون تبدیل شد. این روز در تاریخ ایران به عنوان روز ملی شدن صنعت نفت ثبت گردیده و با نام دکتر محمد مصدق، رهبر ملی و ضد استعماری ایران عجین است

ملی شدن صنعت نفت در ایران در حال تبدیل به الگویی برای سایر کشورهای نفت خیز منطقه بود تا خودشان اختیار نفت خود را در اختیار بگیرند. از این رو آمریکا و انگلیس باید هر چه زودتر کاری می کردند

بعد از عملیات کودتای ۲۸ مرداد و سرنگونی دولت قانونی و دموکراتیک مصدق، شیرهای نفتی به روی شرکت‌های غربی به خصوص آمریکا باز شد. بازگشت دوباره شاه در واقع تثبیت ۲۵ سال حاکمیت آمریکا بر جریان نفت و سیاست کشور بود که سرانجام زمینه‌های انقلاب بهمن، سرنگونی رژیم شاه و قطع سلطه آمریکا را فراهم آورد\*



### آمریکا به وجود تاسیسات تسلیحات شیمیایی در اوکراین اعتراف کرد

معاون وزیر امور خارجه آمریکا اعتراف کرد که اوکراین دارای «تاسیسات تحقیقاتی بیولوژیکی» است.

به گزارش اسپوتنیک، «ویکتوریا نولند» معاون وزیر امور خارجه آمریکا اعتراف کرد که اوکراین «تاسیسات تحقیقاتی بیولوژیکی» دارد و واشنگتن نگران است روسیه آنها را تصرف

کند. پیش از این نیز، وزارت دفاع روسیه گفته بود که از نزدیک برنامه‌های تسلیحات بیولوژیکی را که توسط پنتاگون در کشورهای پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی توسعه داده شده، زیر نظر دارد. در گزارش اسپوتنیک گفته شده که طبق یافته‌های جدید، «شبکه ای» متشکل از بیش از ۳۰ آزمایشگاه بیولوژیکی در خاک اوکراین تشکیل شده است.

ویکتوریا نولند در این ارتباط و در جریان جلسه استماع سنا درباره اوکراین گفت: «اوکراین تاسیسات تحقیقات بیولوژیکی دارد که در واقع ما اکنون کاملاً نگرانیم که نیروهای روس به دنبال کنترل آنها باشند، بنابراین ما در حال کار با اوکراینی‌ها هستیم که چگونه می‌توانند از سقوط هر یک از این مواد و تاسیسات تحقیقاتی به دست نیروهای روسی جلوگیری کنند.» در این گزارش گفته شده که اسنادی از آزمایشگاه‌های تحقیقات بیولوژیکی اوکراین در مورد نابودی فوری پاتوژن‌های خطرناک، از جمله سیاه زخم، وبا و طاعون در ۲۴ فوریه دریافت شد که می‌تواند سرپوشی بر نقض کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیکی و سمی (BTWC) از سوی اوکراین باشد. همچنین «ایگور کوناشنکوف»، سخنگوی وزارت دفاع روسیه، با بیان اینکه پنتاگون در ادامه آزمایش‌های بیولوژیکی مخفی خود با آغاز جنگ در اوکراین با مشکلاتی روبرو بوده است، گفت: «اکنون اسناد توسط متخصصان نظامی نیروهای حفاظت رادیویی، شیمیایی و بیولوژیکی روسیه در حال تجزیه و تحلیل است.» به گفته «کوناشنکوف»، این تاسیسات در اوکراین در حال توسعه اجزای سلاح‌های بیولوژیکی بودند.

این مقام نظامی روس گفت: «با شروع عملیات نظامی ویژه در اوکراین، پنتاگون نگرانی‌های جدی در مورد افشای انجام آزمایش‌های مخفی بیولوژیکی در خاک این کشور دارد و برای جلوگیری از افشای حقایق نقض ماده ۱ کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد ممنوعیت سلاح‌های باکتریولوژیکی و سمی توسط وزارت بهداشت اوکراین، دستورالعمل‌های حذف فوری ذخایر ذخیره شده پاتوژن‌های خطرناک به همه آزمایشگاه‌های زیستی این کشور ارسال شده است»\*



### احتمال اعدام جوانان چپگرا در اوکراین

فدراسیون جهانی جوانان دموکرات که از سازمان‌های مهم جوانان چپگرا در جهان است، اطلاع داده که دبیر اول اتحاد جوانان کمونیست



خانواده «کونونویچ» بارها مورد آزار مقامات دولتی و نیروهای شبه نظامی فاشیست قرار گرفته است. بر اساس پرونده ای که در پارلمان اروپا ثبت شده است، «میخائیل کونونویچ» و سایر اعضای کومسومول هنگام گذاشتن گل در بنای یادبود سربازان ارتش سرخ که علیه هیتلر می جنگیدند، مورد حمله ستیزه جویان راست قرار گرفتند. «کونونویچ» از ناحیه ی سر مصدوم شد و یکی دیگر از شرکت کنندگان در این مراسم تقریباً بینایی خود را از دست داد. باندهای فاشیست تلاش کردند کارکنان بیمارستان را تحت فشار قرار دهند تا کمونیست های معروح را درمان نکنند و همچنین مرتباً زن و دختر «کونونویچ» را در خانه خود مورد آزار قرار می دادند.

تا زمان انتشار این گزارش، وضعیت دو برادر، «میخائیل» و «الکساندر کونونویچ»، و شرایط نگهداری آنها مشخص نیست. به دلیل درگیری ها در کیف و اطراف آن و همچنین به دلیل مسدود شدن وب سایت حزب و کانال های ارتباطی الکترونیکی از زمان شروع جنگ توسط دولت، دستیابی به اطلاعات از حزب کمونیست اوکراین همچنان دشوار است.

روزنامه ی دنیای مردم از خوانندگان خود خواسته است با سفارت اوکراین در واشنگتن دی سی تماس بگیرند و خواستار آزادی فوری «میخائیل» و «الکساندر کونونویچ» شوند.\*  
ایمیل: [emb\\_us@mfa.gov.ua](mailto:emb_us@mfa.gov.ua)

\*\*\*

### علل ممنوعیت پرواز بر فراز روسیه؟ چرا آمریکا به دنبال ایجاد فاجعه انسانی در روسیه است؟

تشن بین روسیه و آمریکا بیش از هر زمان دیگری به مرحله بحرانی رسیده است، موج تحریم های غرب یکی پس از دیگری نه تنها اقتصاد بلکه جامعه روسیه را مورد آسیب سنگین قرار می دهد، اما کارشناسان روس این معادله را برنامه کامل غرب برای آسیب زدن به روسیه نمی دانند. روسیه قبل از جنگ دستور لغو بسیاری از مسیرهای پروازی و هواپیماها را صادر کرد و کمی بعد به صورت کلی پروازهای بین المللی (به جز بلاروس و چند مسیر خاص دیگر) مهمترین شرکت های هواپیمایی روسیه قطع شدند.

مقامات امنیتی روسیه به این نتیجه رسیدند، آمریکا به دنبال ایجاد فاجعه ای انسانی شبیه به سقوط هواپیما و یا انفجار یک مرکز عمومی در روسیه است تا میدان بازی افکار عمومی روسیه را علیه دولت حاکم بدست بگیرد.

با وجود تمام حملات رسانه ای غربی ها علیه روسیه، تا کنون جامعه روسیه واکنش جدی نسبت به عملیات نیروهای مسلح در اوکراین نداشته و حتی موجی از حمایت های مردمی برای بازپس گیری سرزمین هایی که قبلاً متعلق به روسیه بوده اند، ایجاد شده است. از این رو آمریکا برای جریحه دار کردن احساسات عمومی مردم روسیه و مقصر نشان دادن دولت حاکم به دنبال ایجاد یک فاجعه انسانی است که تاثیر آن در افکار عمومی سنگین باشد، حادثه ای شبیه به سقوط هواپیما و یا انفجار در یک مرکز عمومی. دقیقاً به همین علت روسیه پرواز های بین المللی و داخلی را با محدودیت های بسیار و سطح امنیتی بی سابقه اجرا می کند.

تلخیصی از مقاله منتشره در اووو آسیا پست\*

لنینیست اوکراین، به همراه برادرش توسط حکومت نفوفاشیست کی یف به اتهام جاسوسی برای روسیه و بلاروس بازداشت شده و ممکن است بزودی اعدام شوند.

برادران کونونویچ اخیراً در تظاهراتی در مقابل سفارت ایالات متحده در کیف شرکت کردند و از ایالات متحده خواستند که به توسعه طلبی نظامی خود در اروپا از طریق ناتو پایان دهد.

بنابر این گزارش دولتی که در پی کودتای «یورو-میدان» مورد حمایت ایالات متحده در سال ۲۰۱۴ در اوکراین قدرت را به دست گرفت، حزب کمونیست را غیر قانونی اعلام کرد و آن را از شرکت در انتخابات منع کرد. گروه جوانان این حزب نیز غیر قانونی شد و اعضای آن توسط پلیس و دادگاه مورد تعقیب سیاسی قرار گرفتند.

در سراسر کشور، دولت قانون به اصطلاح «کمونیسم» را اجرا می کند که نه تنها حزب کمونیست اوکراین را غیر قانونی کرده، بلکه استفاده از هر گونه نام یا نماد کمونیستی را در ملاء عام ممنوع ساخته است. تخریب بناهای یادبود جنگ شوروی را اجباری کرده و از هر گونه آموزش در مورد جنبه های مثبت تاریخ شوروی در مدارس جلوگیری می کند.

دولت اوکراین پس از آغاز جنگ داخلی در مناطق شرقی اوکراین یعنی دونتسک و لوگانسک در سال های ۲۰۱۴-۲۰۱۵، آزار و اذیت کمونیست ها را بیشتر کرد. حزب کمونیست اوکراین هشدار داده بود سیاست های ملی گرایانه دولت منجر به درگیری در شرق می شود و تاکید می کرد با توجه به قدرت فزاینده عناصر مسلح نئونازی، از استقرار یک دیکتاتوری هراس دارد.

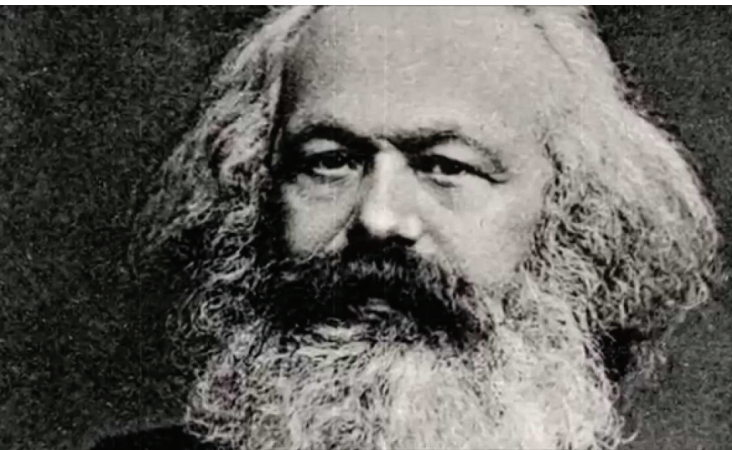
دولت اوکراین به جای گوش دادن به درخواست های حزب کمونیست اوکراین برای مذاکره، جنگی را در شرق آغاز کرد که از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۲ حدود ۱۵۰۰۰ کشته برجای گذاشت. «پترو سیموننکو»، رهبر حزب کمونیست اوکراین؛ به دلیل اصرار مکرر به آتش بس و مذاکرات مستقیم برای توقف جنگ، توسط دولت اوکراین به عنوان خائن شناخته شد.

حزب کمونیست اوکراین خواستار یک راه حل فدرالیستی برای تقسیمات داخلی اوکراین در روزهای اولیه جنگ داخلی شد که مطابق توافقات مینسک بود حزب کمونیست اوکراین می خواست با اعطای خودمختاری به آن مناطق، نبرد در دونتسک و لوگانسک متوقف شود، دولت در کی یف هرگز به توافقات مینسک پای بند نماند.

کادرها و اعضای حزب کمونیست اوکراین، به محدودیت های دولت بی اعتنا ماندند و به کار سیاسی خود ادامه دادند.

در تمام دهه ۱۹۹۰ و بیشتر دهه ۲۰۰۰، حزب کمونیست بزرگترین حزب در پارلمان اوکراین بود و در آخرین انتخابات قبل از ممنوعیت آن، نزدیک به سه میلیون رای به دست آورد. این حزب به عنوان سدی در برابر تلاش های دولت ها برای فروش بیشتر دارایی عمومی و منابع به ارث رسیده از سوسیالیسم شوروی قرار داشت.

کونونویچ بیشتر در مصاحبه ای با «دنیای مردم» گفته بود غیر قانونی کردن حزب کمونیست اوکراین به منظور پاکسازی میدان سیاسی از احزاب چپ است تا آنها در کاهش استانداردهای اجتماعی و فروش زمین دخالت نکنند. کونونویچ با اشاره به مقاومت شوروی در برابر نازی ها گفته بود: «فروش زمین های عمومی استالینگراد ماست - نه یک قدم به عقب! فروش زمین ممنوع!»



## ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده

بنابر درخواست مکرر خوانندگان محترم «توفان الکترونیک» بر آن شدیم تا مفاهیم و مبانی فلسفه مارکسیسم را با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم توضیح بدهیم. از اینرو هیأت تحریریه نشریه «توفان الکترونیک» ستونی برای این امر اختصاص می‌دهد، تحت عنوان «ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده». با امید به اینکه بتوانیم از این طریق به نیاز خوانندگان این نشریه پاسخ داده باشیم.

\*\*\*

### خلق سازنده تاریخ است

کشف شیوه تولید به مثابه عامل تعیین کننده تکامل تاریخ، نقش توده‌های خلق را در تاریخ و در تکامل جامعه آشکار ساخت، تاریخ جامعه انسانی، در درجه اول، تاریخ شیوه تولید است. شیوه‌های تولیدی که یکی به جای دیگری می‌نشیند، یکی به دنبال دیگری می‌آید.

از آنچه که در باره شیوه تولید گفته شد اکنون به خوبی می‌دانیم که پیدایش، موجودیت و تکامل جامعه انسانی معلول تولید است. بدون تولید سخنی هم از جامعه انسانی نمی‌تواند به میان آید، قانونمندی تکامل جامعه نیز از تولید بیرون می‌آید، تحولات بزرگی که در سراسر تاریخ بشر روی داده در آخرین تحلیل زاده تکامل نیروهای مولد است. اما در نیروهای مولد عامل اساسی انسان است. بدون انسان وسائل و افزار تولید اجسامی بی‌جانند که اگر به کار نیفتند راه نیستی و انهدام می‌پیمایند. اگر صحیح است که تاریخ جامعه، تاریخ نیروهای مولد است و در میان نیروهای مولد انسان عامل اساسی است، در این صورت تاریخ آفریده انسان‌هائیست که با به کار



## جهان به کدام سو می‌رود؟

رسانه‌های شستشوی مغزی پیمان نظامی ناتو همچنان به بمباران مردم و پخش اخبار جعلی، به روسیه هراسی و ضرورت افزایش بودجه نظامی ادامه می‌دهند.

غرب یک قد به دفاع از زینسکی دلچک برخاسته است و هر روز این عروسک کوکی همدست نئونازیها در مجامع و پارلمانهای «دمکراسی» غرب ظاهر می‌شود و طلب یاری میکند. تعفن تبلیغات نژادپرستانه و جنگ افروزی ناتو مشام را می‌آزارد و متأسفانه حال روز امروز اروپا شباهت‌های زیادی با دهه سی و قدرت گرفتن حکومت نازیها در آلمان دارد.

آیا مردمان کشورهای اروپائی بزودی با کمبود مواد غذایی در فروشگاه‌ها و وحشت از گرانی بنزین و نفت و گاز... از خواب بیدار خواهند شد و دولتهای جنگ طلب خودی را به چالش می‌گیرند و افق صلح و مخالفت با جنگ افروزی غرب مهاجم و ممانعت از فاشیسم جایگزین خواهد گشت؟ آیا نمونه تظاهرات‌های اعتراضی اخیر علیه گرانی و افزایش نرخ انرژی در ایتالیا و فرانسه و اعتراضات درخشان در اسپانیا... ادامه خواهد یافت و سایر کشورهای اروپایی نیز به میدان می‌آیند؟ هر اندازه پروپاگاندای مغز شویی در غرب قوی و اثر گذار است اما خوشبختانه این تبلیغات در ممالک آسیایی و آفریقایی و آمریکای لاتین چندان موفق نبوده و روسیه هراسی موثر واقع نگشته است. جهان چند قطبی و بر هم خوردن نظم یک قطبی سرمایه داری تحت رهبری آمریکا در این سه قاره بیشتر به چشم می‌آید و بنظر می‌رسد علیرغم همه هیاهوی تبلیغاتی غرب، دنیا به این سو، بسوی دنیای چند قطبی در حرکت است. اگر چه بدیل سوسیالیسم پاسخ نهایی به همه نظم‌های جهانی سرمایه داری است اما کمونیست‌ها به هیچ وجه نسبت به تفاوت‌های نظم‌های سلطه جهانی بی تفاوت نیستند همانطور که در دوره‌های مختلف از جمله در دهه سی و آغاز جنگ جهانی دوم نبودند. نظم تک قطبی کنونی که بر آتش و خون و زورگویی و جنگ و فاشیسم بنا شده است به خط آخر رسیده است و جهان بسوی دیگری در حرکت است. باید جهت را درست تشخیص داد و به جلو حرکت کرد.\*

که خود یکی از اشکال تظاهر قانون تناسب ناگزیر روابط تولید با خصلت نیروهای مولد است، نیروی محرکه تکامل جامعه بوده است و مبارزه طبقاتی چیزی جز مبارزه توده‌های زحمتکش و استثمار شونده علیه طبقات استثمارگر و ارتجاعی به خاطر ایجاد نظم اجتماعی نوین نیست.

البته در دوران‌هایی که تکامل تاریخ به کندی جریان می‌یابد یا به قول لنین در دوران‌های «مسالمت آمیز» تاریخ، نقش توده‌ها چندان به چشم نمی‌خورد و اینطور به نظر می‌رسد که توده‌های خلق در زیر

نیازمندی‌های زندگی و محرومیت‌ها و فشار خرد شده و به علت جهالت و بی‌خبری در خواب فرو رفته‌اند. طبقات حاکمه نیز با استفاده از تمام وسائل اجبار که در اختیار دارند (پلیس، ارتش، قوه قضائی، دستگاه اداری و غیره) فعالیت سیاسی توده‌ها را سرکوب می‌کنند و می‌کوشند آنرا به حداقل تقلیل دهند یا لاقط در مجرائی بیندازند که برای آنها خطراتی بیار نی‌آورد. بیهوده نیست که در گذشته برخی طبقات حاکمه استثمارگر و نمایندگان آنها از لحاظ سیاسی در صحنه مقدم تاریخ جهانی قرار داشته‌اند. اما در همان دوران‌های رکود تاریخ نیز شرکت توده‌ها در زندگی سیاسی در تکامل تاریخ نقش تعیین کننده دارد.

در دوران‌های انقلابی، دوران‌هایی که جهشی در جامعه صورت می‌پذیرد، وضع طور دیگر است. در این دوران‌ها توده‌ها آگاهانه به خاطر تعویض نظم کهنه اجتماعی با نظم نوین پیا می‌خیزند، مقاومت طبقات ارتجاعی را که در حفظ نظم کهنه می‌کوشند، درهم می‌شکنند، تضاد اساسی جامعه را حل می‌کنند و راه را برای پیشرفت سریع تاریخ می‌گشایند. ثمرات انقلاب جز در انقلاب سوسیالیستی بدست توده‌ها نمی‌رسد ولی در هر حال انقلاب با دست توده‌ها انجام می‌گیرد و به پیروزی می‌انجامد. دامنه انقلاب، عمق و نتایج آن تابع کمیت توده‌هایی است که در آن شرکت می‌جویند و در عین حال تابع درجه آگاهی و تشکل آنها است.

در تاریخ قیام بردگان، قیام سرف‌های قرون وسطی با شکست روبرو گردید زیرا قیام آنها خودرو بود که خود از شیوه تولید بردگی و فئودالی می‌تراوید. آنها نتوانستند و نمی‌توانستند آنچنان نظام اجتماعی برپا کنند که فارغ از ستم طبقاتی و استثمار باشد. شرایط مادی جامعه برای استقرار چنین نظامی آماده نبود. فقط تولید سرمایه‌داری مقدمات گذار به چنین نظام اجتماعی را فراهم آورد، فقط طبقه کارگر است که به علت شرایط زندگی مادی و خصائل انقلابی خود شایستگی آنرا یافته که در پیشاپیش توده‌های زحمتکش نظام سرمایه‌داری

انداختن وسائل و افزار تولید، نعم مادی تولید می‌کنند.

توده‌های خلق آفریننده تاریخند زیرا که با کار و زحمت خود ارزش‌های مادی و معنوی می‌آفرینند، افزار تولید را با تجارب خود در کار تولیدی و کسب مهارت تغییر می‌دهند. نیروهای مولد را تکامل می‌بخشند همین تغییرات افزار تولید، اگر چه هر بار ناچیز به نظر می‌رسند، طی قرن‌ها زمینه را برای تحولات مهم علمی و فنی فراهم می‌آورند. توده‌های خلق آفریننده تاریخند زیرا با فعالیت خود کلیه وسائل لازم زندگی اجتماعی را ایجاد می‌کنند و پیوسته شرایط مادی ادامه تکامل جامعه را تدارک می‌بینند. انگلس می‌نویسد:

«هرگونه تغییری که در قشرهای بالا و غیرمولد جامعه روی دهد، جامعه نمی‌تواند بدون طبقه تولید کنندگان وجود داشته باشد. بنابراین، این طبقه در هر شرایطی ضروری است اگر چه ناگزیر زمانی فرا می‌رسد که دیگر طبقه نخواهد بود و تمام جامعه را در بر خواهد گرفت.»

اگر طبقه تولید کننده نباشد چرخ تاریخ از حرکت می‌ایستد. البته نقش مخترعین، مکشفین و دانشمندان در تکامل تولید حائز اهمیت است ولی برخلاف نظر ایدئولوگ‌های بورژوا، این نقش را نمی‌توان در مقام اول گذاشت و تمام دستاوردهای تکنیک جامعه را به پای آنان نوشت. اکتشافات و اختراعات مهم بیرون از محیط تولید صورت نمی‌گیرد، بلکه در جریان کار تولیدی زمینه آنها فراهم می‌آید، جریان تولید، خود آنها را می‌زاید. وانگهی اختراعات و اکتشافات زمانی می‌توانند به تحقق در آیند که در جامعه نیروی کار لازم برای تولید افزار تولید و به کار انداختن آنها وجود داشته باشد، در غیر این صورت اختراع یا اکتشاف فنی در تکامل اجتماع تاثیری نخواهد گذاشت. قبول اهمیت نقش مخترعین و اکتشافات علمی این حکم ماتریالیسم تاریخی را رد نمی‌کند که بنابر آن، تاریخ جامعه و قانونمندی آن از تولید سرچشمه می‌گیرد و لذا قبل از هر چیز تاریخ زحمت‌کشان است. تاریخ خلق‌ها است. فعالیت مخترعین و مکشفین خود یکی از اجزاء مرکبه جریان تولید است.

نقش توده‌ها در آفرینش تاریخ به محیط تولید محدود نمی‌شود، زندگی سیاسی را نیز در بر می‌گیرد. بدون مبارزه سیاسی توده‌ها پیشروی جامعه به ویژه در دوران‌های انقلابات اجتماعی قابل تصور نیست. در انقلابات اجتماعی گذشته طبقات مختلفی در راس قدرت سیاسی قرار گرفته‌اند ولی در کلیه این انقلابات توده‌ها نیروی محرکه انقلاب را تشکیل داده‌اند.

مبارزه سیاسی شکلی از مبارزه طبقاتی است و از آن زمان که جامعه انسانی به طبقات متخاصم تقسیم گردید مبارزه طبقاتی

فرهنگ تقلیل یافت، ولی هرگز از اهمیت آنها نکاست. همین پدیده موجب شده است که طبقات حاکمه استثمارگر فرهنگ و علم و هنر را ثمره استعداد و قریحه افراد زبده جامعه بشمار آورند و نقش توده‌های مردم را به هیچ انگارند. اما روشن است که قریحه و استعداد خصلت طبقاتی ندارد. منتها در جامعه طبقاتی، طبقات مرفه و ثروتمند که همه گونه وسائل آموزش و پرورش در اختیار دارند طبیعتاً از نعمت دانش و فرهنگ برخوردارند. طبقات محروم و فقیر برعکس از دست یافتن به چنین نعمتی محروم‌اند. چه بسا استعدادهای و قریحه‌هایی در میان توده‌های خلق است که هرگز شگفته نمی‌شود و می‌پژمرد. این خصوصیت جامعه طبقاتی است.

از اینرو آموزش توده‌ها، بالا بردن سطح آگاهی سیاسی آنها، متشکل ساختن و رهبری مبارزات آنها عاملی است که بدون آن انقلاب به پیروزی نمی‌انجامد. ماتریالیسم تاریخی خلق را سازنده تاریخ می‌داند ولی معنی آن تسلیم در برابر جنبش خودبخودی توده‌ها نیست بالعکس. «مشی توده‌ای» همچنین در اتکاء و اعتماد به خلق است، در میدان دادن به فعالیت خلاق وی است، در گوش فرادادن به خواست‌ها و نیازمندی‌ها و نظریات توده‌ها است، در مدد گرفتن از آنها، جمع‌بندی تجربیات و نظریات آنها و بالاخره رهبری مبارزات آنها است.

این حکم ماتریالیسم تاریخی که خلق سازنده تاریخ است، افسانه طبقات استثمارگر را که گویا بدون آنها زندگی متوقف می‌گردد برباد می‌دهد، زحمتکشان را به نقش خود، به نیروی خود، به امید به پیروزی معتقد می‌سازد، به آنها می‌آموزد که برای برانداختن ستم طبقاتی و استثمار نباید در انتظار بنشینند که نجات دهنده‌ای ظهور کند و آنها را از محرومیت رهائی بخشد، به آنها می‌آموزد که رهائی آنها در دست خود آنها است.\*

را فروکوبد و جامعه نوین سوسیالیستی را فارغ از طبقات و استثمار و هرگونه ستم ملی و طبقاتی بنا کند و سازمان دهد. اگر در گذشته نقش توده‌ها در انقلاب به تخریب جامعه کهنه محدود می‌گردید، در انقلاب سوسیالیستی تخریب نظام کهن با ساختمان جامعه نوین همراه است.

هر چه تکامل تاریخ پیش می‌رود، هر چه جامعه مدارج عالی‌تری از تکامل را می‌پیماید، در جریان مبارزه طبقاتی، آگاهی و تشکل توده‌ها افزایش می‌یابد و نقش آنها در صحنه سیاسی و به طور کلی در آفرینش تاریخ فزونی می‌گیرد. در جامعه سوسیالیستی محو طبقات و استثمار، محو ستم ملی، آزادی کامل زنان که به زندگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جلب می‌شوند نقش توده‌ها را در تکامل تاریخ به مقیاس بی‌سابقه‌ای افزایش می‌دهد.

در پهنه فرهنگ نیز، این توده‌های خلق‌اند که پایه فرهنگ بشریت را ریخته و شرایط مقدماتی تکامل آنرا فراهم آورده‌اند. این توده‌ها بودند که با کار روزمره خود ذره ذره بر طبیعت دست می‌یافتند و اسرار آنرا بیرون می‌کشیدند، آنها بودند که آتش را کشف کردند که در تکامل جامعه نقش فراوان بازی کرد، آنها بودند که کم کم ابزار تولید را تکامل بخشیدند، در کشاورزی به انواع نباتات، و شیوه کشت آنها دست یافتند، ذوب فلزات را آموختند، آنها بودند که با کار و زحمت خود به شناخت نخستین اشیاء و پدیده‌های طبیعت نائل آمدند و شالوده تکامل علم و فلسفه را ریختند.

در محیط هنر نیز وضع بر این منوال است. این توده‌های خلق‌اند که هنر را در آغاز به صورت حماسه‌ها، قصه‌ها، افسانه‌ها، ضرب المثل‌ها، ترانه‌ها می‌آفرینند و برای هنرمند در هر زمینه‌ای که باشد سرچشمه الهام ایجاد می‌کنند. زمانی که نویسندگان با آن می‌نویسند و شعرا اشعار خود را می‌سرایند، طی قرن‌ها و هزاران سال توسط توده‌های مردم آفریده شده است. زندگی توده‌های مردم منشاء الهام نویسندگان، شعرا، نقاشان بزرگ بوده است. امروز هم هنری که از توده‌ها، از زندگی خلاق آنها الهام‌نگیرد راه انحطاط خواهد پیمود.

بدین ترتیب، در دوره‌های نخستین تکامل بشر، تا زمانی که کار فکری از کار جسمی جدا نشده بود همه ارزش‌های فرهنگی اعم از مادی یا معنوی با دست توده‌ها آفریده شده است. اما پس از جدائی کار فکری و جسمی، پس از آنکه توده‌های مردم به کار جسمی توان فرسا محکوم شدند همه مظاهر فرهنگی از شعر و ادبیات گرفته تا موسیقی و نقاشی در انحصار نمایندگان طبقات حاکمه و ثروتمندان درآمد و در خدمت آنها قرار گرفت و سهم توده‌های خلق در تکامل

**بی‌حزبی کارگران، شعاری انحرافی است!**



دیکتاتوری پرولتاریا، دیکتاتوری اقلیت نیست به همین جهت نیز نماد دموکراسی است. اساسا هیچ طبقه ای نمی تواند به صورت اقلیت در دوران کم و بیش طولانی در حکومت باقی بماند. هر حکومتی باید برای بقاء خود و حفظ سلطه خویش سعی کند، متحدان خویش را بیابد و آنها را با شیوه های گوناگون و از جمله مزایای مادی به خود ملحق نماید و به این وسیله بقاء خویش را تثبیت کند و یا اینکه قهر عریان و بی پروا را موقتا به خدمت بگیرد. این نتیجه را طبقات حاکمه در ممالک امپریالیستی با غارت ممالک تحت سلطه و پرتاب قطعه ای از غنایم غارتگرانه خویش به سفره دیگر طبقات اجتماعی که در قدرت سیاسی شرکت ندارند، کسب می نمایند. لفظ «اشرافیت کارگری» را لنین به این عده اطلاق می کند که زمینه مادی پیدایش اپورتونیزم و رویزونیسم در جنبش کارگری هستند.

دربار توجه همراهان گرامی را به دلایل اصلی شکست کمون پاریس و درس های آن جلب می کنیم:

**یکم اینکه** پرولتاریای انقلابی پاریس فاقد حزب واحد کمونیستی و فرماندهی واحد و رهبری انقلاب ملمغه ای از کمونیسم، آنارشیزم، پرودونیزم و بلانکیسم... و ایده همه باهم و آزادی بی قید و شرط برای همگان بود.

**دوم اینکه** به جای اقدام به «مصادره مصادره کنندگان»، به خود اجازه داد با رؤیاهای برقراری یک عدالت برتر در کشوری که با یک وظیفه ملی مشترک متحده شده بود، به بیراهه برود؛ به عنوان مثال، مؤسساتی مانند بانکها مصادره نشدند، و تئوری های پرودونیستی در باره یک «مبادله عادلانه» و غیره، هنوز در میان سوسیالیست ها رایج بود.

**سوم اینکه** به جای نابود کردن دشمنانش و درهم شکستن ماشین کهنه دولتی و اعمال انقلابی دیکتاتوری پرولتاریا درصدد برآمد تأثیر اخلاقی بر آن ها بگذارد؛ پرولتاریای انقلابی به اهمیت عملیات سرکوبگرانه نظامی مستقیم در جنگ داخلی کم بها داد، و به جای شروع یک تهاجم قاطعانه علیه ورسای که می توانست پیروزی آن را در پاریس تأمین کند، تأخیر نمود و به دولت ورسای زمان داد تا نیروهای سیاه خود را گرد آورده و هفته غرق به خون ماه مه را تدارک ببیند. اینهاست بطور مختصر و موجز مهم ترین دلایل شکست نخستین انقلاب سوسیالیستی در جهان! با درس آموزی صحیح از شکست انقلاب و ضعف های کمون پاریس بود که بلشویک ها تحت رهبری حزب واحد لنینی، انقلاب سوسیالیستی اکبر را سازماندهی و به پیروزی رساندند و نخستین ساختمان سوسیالیسم در جهان، با الغای مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و سرانجام درهم شکستن قوی ترین ارتش امپریالیستی جهان، ارتش نازی و رهایی بشر از چنگال فاشیسم تحت رهبری استالین، رقم خورد. برایتان موفقیت آرزو می کنیم. به مکاتبه خود با ما ادامه دهید.\*



## گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش

**پرسش:** رفقای توفان به مناسبت سالگرد کمون خیلی ها مقاله نوشتند ولی کم تر به علل شکست این رخداد کارگری پرداختند. از شما تقاضا دارم دلایل شکست و درس از این شکست را برای من و سایر کاربران در فیسبوک بنویسید. ممنون از شما.

**پاسخ:** رفیق گرامی، کمون پاریس، نخستین انقلاب سوسیالیستی بود. صدوپنجاه سال پیش در روز ۱۸ مارس ۱۸۷۱، کارگران و لایه های پایینی اقشار خرد بورژوازی پاریس، شهری که قهرمانانه شش ماه محاصره کامل ارتش آلمان را پشت سر نهاده بود، در شرایطی که هنوز دشمن در خاک فرانسه و در بخش هایی در حومه ی شهر بود، به مقابله با توطئه های پی در پی دولت موقت جمهوری سوم تازه تأسیس فرانسه پرداختند، و به قول مارکس «انقلاب باشکوه» خود را بر پا کردند؛ انقلابی که به رغم عمر بسیار کوتاه اش نخستین تلاش برای استقرار سوسیالیسم و الهام بخش جنبش ها و انقلابات بعدی در نقاط مختلف جهان بود.

ما درباره مهم ترین آموزه های کمونیستی از انقلاب باشکوه کمون پاریس، و اینکه چرا پرولتاریا در نیمه راه متوقف شد، بارها در نشریات توفان سخن گفته ایم. مباحث مربوط به سیاست ها و نتیجه کمون قبل از هر چیز تأثیر قابل توجهی در اندیشه های انقلابی و فناپذیر کارل مارکس داشت، که وی آن را اولین نمونه از «دیکتاتوری پرولتاریا» توصیف کرد.

دیکتاتوری پرولتاریا اعمال قهر پرولتری اکثریت جامعه بر ضد اقلیتی است که تاکنون بر مسند قدرت بوده و از خودسری، سوء استفاده شخصی با اراده و خودکامگی فردی و یا طبقاتی بر ضد اکثریت محرومان جامعه استفاده می کرده است. دیکتاتوری پرولتاریا می خواهد به این بی عدالتی بی پایان، پایان دهد و آنهم نه در کلام، بلکه در عمل و در اقتصاد و در پایه مادی زندگی عمومی مردم....

# باتوفان همراه شوید

@TOTOUFAN

## پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام

**پرسش:** اکثر احزاب سیاسی ماهیت جنگی که در گرفته است را جنگ میان روسیه و غرب را جنگ میان امپریالیست‌ها تفسیر می‌کنند و هر دو طرف را محکوم اعلام می‌دارند. به چه دلیل حزب شما جنگ را از طرف روسیه دفاعی و عادلانه می‌بیند؟

**پاسخ:** قبل از هر چیز تشکر از نامه‌تان. بلی همینطور است که شما می‌گوئید بسیار «از احزاب چپ سیاسی جنگ را از هر دو طرف محکوم می‌کنند زیرا هر دو طرف دارای ماهیت امپریالیستی اند». اما اگر به پذیریم که جنگ همواره ادامه سیاست است ولی به شکل دیگر آنوقت دیگر این وزیر جنگ نیست که سیاست را تعیین می‌کند بلکه وزیر امور خارجه و به دیگر سخن دولت پنهان سیاسی و شورای امنیت ملی کشورها هستند که لزوم یا عدم لزوم جنگ را تعیین می‌کنند. ما بحث اختلافات بر سر اوکراین را از دیروز شروع نکرده‌ایم این بحث باز می‌گردد به سال‌های دور بویژه با آغاز کودتای ناتو در اوکراین در سال ۲۰۱۴. امپریالیسم غرب می‌خواهد اوکراین را رسماً تصرف کند تا روسیه را تجزیه و به بلعد و از پیشروی چین ممانعت به عمل آورد. آمریکا می‌خواهد سرکردگی دلار را حفظ و مانع گذار از جهان تک قطبی به جهان چند قطبی گردد. این ماهیت جنگ را تعیین می‌کند و نه چیز دیگر. این جنگ ادامه سیاست امپریالیسم آنگلو ساکسن است. در اینجا بحث بر سر دو اردوی بزرگ امپریالیستی برای تقسیم جهان، برای برده کردن ملل و تقسیم مجدداً جهان نیست. این جنگ را نمی‌شود ماهیتاً با دو جنگ امپریالیستی مقایسه کرد. در اینجا سخن بر سر تحلیل مشخص از شرایط مشخص است. آمریکا به سمت شرق رفته و می‌خواهد روسیه را اشغال و تجزیه کند. می‌خواهد

ملت روسیه را به برده خود تبدیل کند. در اینجا صحبت بر سر رقابت نیست بر سر اشغال و نابودی روسیه است و این واقعیت که دولت روسیه انقلابی نیست، سرمایه داری الیگارشویی است و دسترنج زحمتکشانش را غارت می‌کند در درجه اول قرار ندارد. نه برای ما و نه برای آمریکا. مگر «بایدن» برای تامین دسترنج زحمتکشانش به روسیه وارد می‌شود. این درست مثل آن است که اگر امپریالیسم آمریکا به هلند و یا بلژیک حمله کرد تا این کشور را غارت کرده و نابود نماید نیروهای مترقی مدعی شوند به ما مربوط نیست جنگ میان دو امپریالیسم است. این تحلیل خارج از زمان و مکان و کتابی با واقعیات روز هیچ قرابتی ندارد. آمریکا برای تسلط بر جهان و بر اروپا به بلژیک حمله می‌کند در حالیکه بلژیک از تمامیت ارضی و حق حیات خود دفاع می‌کند. مبارزه بلژیک برضد آمریکا عادلانه است علیرغم اینکه امپریالیستی است. ما با این پدیده در زمان جنگ جهانی دوم که یک جنگ جهانی بود نیز روبرو بودیم. فرانسوی‌ها اعم از پرولتاریا تا بورژوازی حق داشتند بر ضد اشغالگران نازی مبارزه کنند. دو گل که نماینده بورژوازی امپریالیستی فرانسه در جنگ جهانی دوم بود به پرچمدار مبارزه ملی علیه هیتلر نازی بدل شد. دولت‌های امپریالیستی فرانسه و انگلیس و آمریکا ناچار شدند در مقابل هیتلر نازی با اتحاد شوروی سوسیالیستی جبهه متفقین را بنانهد و در مقابل فاشیسم بایستند. جنگ امپریالیستی به جنگ ضد فاشیستی تغییر کرد. ما تجاوز آمریکا به افغانستان را علیرغم اینکه رهبری مبارزه مردم در دست طالبان بود محکوم کردیم و از حقوق کشور افغانستان حمایت نمودیم. همانطور که از حقوق کشور عراق و لیبی و سوریه و مالی و سومالی ... حمایت کرده‌ایم صرف نظر از اینکه ماهیت حکومت آنها چه بوده است. متأسفانه پیچیدگی سیاست عده‌ای را بر آن می‌دارد تا کار خود را راحت کنند و با یک خط کشی ساده به مسائل مهم سیاسی پاسخ دهند که همواره به انحراف در غلطی و در بهترین حالت نظاره گر مهمترین تحولات سیاسی بوده‌اند. چنین سیاستی پاسخگوی تحولات اوکراین نیست. جنگ روسیه ظاهراً علیه اوکراین است. اما امروز همه حقایق آشکار شده و هر کودک دبستانی می‌داند جنگی که در گرفته است جنگی میان روسیه که خود را تحت محاصره ناتو و غرب می‌بیند، جنگی برای پیشگیری از پیشروی ناتو و حکومت نئونازی و فاشیست اوکراین است. از یک سو واز سوی دیگر نیروهای مقابل تحت رهبری آمریکا که جنگ طلبد واز نئونازیسم در اوکراین به دفاع برخاسته‌اند. تضعیف و شکست جبهه ناتو به نفع صلح و خلق‌های جهان است. پیروز باشید. \*



آمریکایی و ناتویی به او کراین مخالفت کرد.

## این چه جنگی است!

۷- «ژائو لی جیان»، سخنگوی وزارت امور خارجه چین، روز پنجشنبه گفت: «کلید بحران اوکراین در دست ناتو و بخصوص آمریکا است». او گفت تصمیم آمریکا برای توسعه «ناتو» به سمت شرق اروپا مستقیماً با بحران کنونی اوکراین مرتبط است. این مقام چینی ضمن محکوم کردن ریاکارانه غربی‌ها در خصوص نگرانی برای جان غیرنظامیان اوکراینی پرسید: «چرا آنها برای مرگ غیرنظامیان عراق، افغانستان، لیبی، سوریه، فلسطین، یمن و یوگوسلاوی نگران نشدند؟!»

اگر آمریکا، ناتو، اروپا، ژاپن، کره جنوبی و دیگر کشورهای دنباله رو غرب، در وقایع اوکراین و روسیه درست میگویند و حرف حق می‌زنند، چه لزومی دارد که تمامی رسانه‌های ارتباط جمعی روسیه را قدغن و از دسترس جهانیان خارج نمایند؟! در ذیل به چند خبر جدید در باره بحران بین روسیه و اوکراین می‌پردازیم:

۱- زلنسکی رئیس جمهور اوکراین برای چندمین بار خواستار منطقه پرواز ممنوع در اوکراین از جانب آمریکا و ناتو شد!

۲- لوید آستین، وزیر سیاهپوست، دفاع آمریکا، بارها این خواسته را در کردو گفت: «منطقه پرواز ممنوع به معنای جنگ باروسیه است و واشینگتن قصد چنین کاری را ندارد».

۳- پنس استولنتبرگ، دبیر کل ناتو، گفت: «استیصال و یاس زلنسکی» رادرک می‌کنیم. او گفت: «ناتو از سال ۲۰۱۴ به توسعه ارتش اوکراین (توبخوان نئونازی‌های اوکراینی) کمک و آموزش داده است».

۴- ایگور کوناشکوف سخنگوی رسمی وزارت دفاع روسیه اعلام کرد: «از زمان حمله روسیه به اوکراین تاکنون ۱۸۳ پهپاد، ۱۴۰۶ تانک و خودرو زرهی، ۱۳۸ موشک انداز مختلف، ۵۳۵ توپخانه و خمپاره انداز، همچنین ۱۱۹۸ خودروی نظامی ویژه و ۸۱ تاسیسات نظامی در اوکراین منهدم شده‌اند».

۵- الکساندر لولواشکو رئیس جمهور بلاروس گفت: «زلنسکی» یا باید پیمان صلح درخواستی روسیه را امضا کند یا تسلیم شود».

۶- نانسی پلوسی رئیس مجلس نمایندگان آمریکا با اعزام نیروهای

۸- پوتین در ۲۶ اسفند، چند روز پیش، گفت: «مردم روسیه همیشه قادر خواهند بود وطنپرستان واقعی را از اشغال‌ها و خائنین داخل (ستون پنجمی‌های وابسته به غرب) را تشخیص دهند و آنها را مانند پشه ریزی که بطور تصادفی وارد دهانشان شده است، تُف کنند. علیرغم تبلیغات دروغین غربی‌ها بویژه آمریکا، هدف روسیه بمباران سفره‌ای شهرهای اوکراین و پیاده کردن نیروی زمینی ارتش و اشغال نظامی اوکراین نبود. (یعنی همان کاری که امپریالیسم آمریکا در عراق و افغانستان انجام داد)! بلکه هدف روسیه بمباران تاسیسات نظامی و محل‌های استقرار نئونازی‌های اوکراینی و داوطلبین غیر اوکراینی ضد روس و محاصره شهرها بود و هست. روسیه در این نبرد نشان داد که دارای موشک‌های اتمی با سرعت ۷ هزار مایل، برابر با ۱۱۲۶۳ کیلومتر در ساعت دارد که این نوع موشک هیچ مشابهی در غرب ندارد. روسیه این نوع سلاح را «غیرقابل توقف» نامید و به دولت‌های غربی هشدار داد در صورت دخالت‌های آمریکا و «ناتو» و اروپا، از آنها استفاده خواهد کرد. جنگ در اوکراین جنگ بین روسیه و اوکراین نیست بلکه نبردی است علیه نئونازی‌های فاشیست سازمان داده شده توسط «پنتاگون و سیا» و کشورهای اروپایی که بغایت ضد کمونیست و ضد ملت روس‌اند. جنگ اصلی و واقعی جنگ بین روسیه و دنیای غرب و ژاپن به رهبری امپریالیسم آمریکا است!! جهان پس از پایان جنگ اوکراین، جهان پس از شکست حکومت دست‌نشانده ناتو، جهانی متفاوت خواهد بود!\*



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/hezbekar.toufan					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آناه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب
<u>POSTBANK</u>						
bank code 20110022						
bank account No.: 2573 3026 00						
IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00						
<u>P.O. BOX 1138</u>						
D64526 Mörfelden-Walldorf						
E-Mail: toufan@toufan.org						
Fax: 00496996580346						